

ارزیابی نمایندگان و وزرا
از گذشته و آینده خصوصی سازی در ایران

■ خصوصی سازی و ضرورت توسعه قشر کارآفرینان

با نظرانی از:

- * حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه
- * حجت الاسلام والمسلمین سیدحسین حسینی شاهرودی، رئیس کمیسیون اقتصادی و دارایی
- * آقای محمدباقر بهرامی، رئیس کمیسیون امور اداری و استخدامی
- * حجت الاسلام والمسلمین سیدرضا اکرمی، عضو کمیسیون مسکن و راه و ترابری
- * آقای دکتر عبدالله ثانی سعیدی، عضو کمیسیون بازرگانی
- * آقای مهندس علی نقی خاموشی، عضو کمیسیون صنایع و معادن
- * آقای محمد مهدی خزائی، عضو کمیسیون صنایع و معادن
- * حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعائی، عضو کمیسیون سیاست خارجی
- * آقای دکتر سعید رجائی خراسانی، عضو کمیسیون سیاست خارجی
- * آقای منصور سلیمانی میمندی، عضو کمیسیون صنایع و معادن
- * آقای سیدکمال الدین شهریاری، عضو کمیسیون مسکن و راه و ترابری
- * آقای محمود عطازاده، عضو کمیسیون کشاورزی
- * حجت الاسلام والمسلمین عمیدزنجانی، عضو کمیسیون امور قضائی و حقوقی
- * آقای دکتر حسن کامران، عضو کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی
- * حجت الاسلام والمسلمین موسوی اجاق، عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی
- * آقای محمد نبوتی، عضو کمیسیون دیوان محاسبات
- * آقای دکتر احمد نجابت، عضو کمیسیون بهداری و بهزیستی
- * آقای دکتر نژادحسینیان، وزیر صنایع سنگین
- * آقای مهندس فروزش، وزیر جهادسازندگی
- * آقای مهندس نعمت زاده، وزیر صنایع
- * آقای مهندس غرضی، وزیر پست و تلگراف و تلفن

اشاره:

سال ۷۳، فرصت مناسبی است برای بررسی و ارزیابی عملکرد خصوصی سازی در اولین برنامه پنجساله، تا نتایج حاصله در تدوین خط مشی ها و اتخاذ سیاستهای بهینه برای تدوین و تصویب نهایی برنامه دوم، بطور جدی و با استناد به آمار، ارقام، و دیدگاههای کارشناسی مورد استفاده قرار گیرد.

در گزارش ویژه این شماره مجلس و پژوهش - چنانچه در صفحات گذشته ملاحظه فرمودید - جایگاه خصوصی در جهان معاصر و عملکرد آن در ایران از نگاه کارشناسان مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. آنچه در ادامه می خوانید دیدگاههای شمار کثیری از مسئولان صاحب نظر از جمله رؤسای کمیسیونهای برنامه و بودجه، امور اقتصادی و دارایی، اموراداری و استخدامی مجلس، وزرای صنایع سنگین، صنایع، جهاد و پست و تلگراف و تلفن است که در پاسخ به پرسشهای مجلس و پژوهش عنوان شده است.

سئوالهای مطرح شده حول چهار محور: دستاوردهای اندک در خصوصی سازی، فقدان قشر کارآفرینان، ارزیابی توان سازمانهای متولی خصوصی سازی، عملکرد ضعیف بازار بورس، بود. با هم پاسخهای مطرح شده را می خوانیم:

□ علی‌رغم تأکید و صراحت قانون پنجاه‌ساله اول توسعه اقتصادی مبنی بر واگذاری سهام حدود ۳۰۰ شرکت دولتی تا پایان برنامه، متأسفانه دستاوردها بسیار اندک بوده است. تحلیل شما چیست؟

حجت‌الاسلام والمسلمین دري نجف‌آبادی،
رئیس کمیسیون برنامه و بودجه:

به نظر من خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت‌های وابسته به دولت بصورت امری جدی و توأم با مدیریت صحیح تلقی نشده است و دستگاه مشخصی با اختیارات ویژه و نظارت لازم در زمینه‌های گوناگون نرخ‌گذاری، کیفیت فروش، جایگزینی سهام عهده‌دار آن نشده است.

علاوه بر آن سازمان بورس که باید این مسئولیت را به نحو احسن انجام دهد، از اعتبار، مدیریت، برنامه‌ریزی، حمایت و نظارت لازم برخوردار نبوده است.

همچنین یک سیاست واحد و روشنی بر عملکرد کلیه شرکتها و دستگاههای مختلف (سازمان صنایع ملی و سازمان گسترش و بانک صنعت و معدن و دیگر واحدهای ذیربط) حاکم نبوده است.

دستگاه بورس گرچه در آغاز اندکی کسب اعتبار نمود، اما باتوجه به نوسانات شدید نرخ سهام و نقاط ضعف دیگر، نتوانست اعتبار لازم و اعتماد کافی را جلب کند. بدین ترتیب سیاست خصوصی‌سازی، نتوانست مردم را به کار خود امیدوار کند و زمینه را برای گسترش فرهنگ خرید سهام و

کاهش تقاضا برای مصرف و افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری فراهم کند و نهایتاً بگونه‌ای عمل نماید که مردم و جامعه در این موقعیت حساس و در آغاز شروع این حرکت آن را یک حرکت سالم، سازنده و مفید تشخیص دهند و به سازمان بورس اعتماد کنند. یعنی عملکرد به گونه‌ای بود که جامعه نتوانست سیاستهای دولت، و سازمان بورس، بانک مرکزی و ایستگاههای واگذارکننده را به نفع خود بداند و در زمان مناسب نیز بتواند سهام خریداری شده را مجدداً با قیمت مناسب و دور از ساخت و پاخت و کلاهبرداری و تبانی عرضه کند و پول مورد نیاز خود را مجدداً با فروش منطقی سهام و درصدی از سود مناسب یا بدون سود و حداقل باتوجه به نرخ تورم و نرخ سود سپرده‌های بانکی دریافت کند.

باتوجه به مطالب فوق، هرگونه انتظار موفقیت نابجا خواهد بود. زیرا پس‌انداز به صورت خرید و مشارکت سهام بنا به موارد مذکور منطقی نمی‌نماید و پرواضح است که افراد به جای این حرکت، یا پول خود را بصورت سپرده درازمدت به بانکها می‌سپارند و یا به سمت دلالی و شرکت‌های مضاربه‌ای کذائی و عرضه پول در بازار آزاد،

پنهان و آشکار غیرمعقول به صورت واقعی تلاش کرد و برای جذب و هدایت نقدینگی جامعه و افزایش سرمایه‌گذاری و سهم شدن مردم در کارها و کاهش تقاضاهای مصرف، برنامه‌ریزی نمود. باید برای جلوگیری از حجیم شدن مناسب دولت و شرکت‌های دولتی به عنوان یک کارفرمای بزرگ - و در نتیجه فربهی و تنبلی ناشی از آن - چاره‌اندیشی نمود و راه‌حل‌های اجرائی مناسبی ارائه نمود تا این که ساختار دولت اصلاح، زمینه برای تحرک و پویایی اقتصاد جامعه فراهم. و در نهایت، امکان تخصیص بهینه منابع وجود داشته باشد.

باید دست دولت را برای نظارت، پی‌گیری، کنترل، هدایت و سیاست‌گذاری بازگذاشت و با جلب اعتماد مردم آنها را در راه افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و سهم شدن در کارها تشویق نمود. هرگونه سیاست‌های مالی و پولی باید با توجه به اصل یاد شده یعنی اصل افزایش سرمایه‌گذاری، پس‌انداز ملی و افزایش کارایی و بهره‌وری از منابع و امکانات، تنظیم و اجرا گردد و راه واسطه‌گری، سودجویی، دلالی و سوءاستفاده مسدود گردد.

باید در برنامه دوم سازمان یا دفتری زیر نظر ریاست جمهوری با اشراف و لیاقت و تعهد و تجربه و تخصص لازم، هدایت این امر را بطور کامل به عهده بگیرد. گذشته از آن سیاست قیمت‌گذاری در این رابطه باید معقول و منطقی باشد که منافع خریدار و فروشنده هر دو تأمین گردد. نهاد مذکور باید کانالی قابل اطمینان و بستر مناسبی برای

به درصدی از سود بسنده می‌کنند. بدیهی است که با دیکته کردن و تعیین تکلیف نمودن نمی‌توان بانکها و سایر مراکز تجاری را متکلف به خرید صدها هزار از سهام عرضه شده در بورس کرد. این خود تناقض آشکاری است و بسا هدفهای خصوصی‌سازی و کوچک کردن دولت با سیاست‌های اقتصادی و استقلال بانکها منافات دارد.

بنظر من مسأله خصوصی‌سازی و واگذاری بسیاری از شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و نهادها و ارگانهای ذیربط به مردم به معنی واقعی کلمه - اعم از کارمندان و کارگران و اقشار گوناگون جامعه - در این شرایط حساس اقتصادی یک نیاز و ضرورت است. والا همچنان قریب به ۸۰ درصد از شرکتها توسط دولت و نهادها، ارگانها و بنیادهای دولتی و عمومی اداره خواهند شد. و مردم سهمی در سرمایه‌گذاری، سود و زیان، مدیریت و هدایت این همه منابع و امکانات عمومی و دولتی نخواهند داشت. این سیاست در مجموع نمی‌تواند یک سیاست موفق و مفید و سازنده‌ای باشد. باید در جهت کاهش بار دولت افزایش کارانه و بهره‌وری واحدهای تولیدی و خدماتی و کاهش سوبسیدهای

گزارش ویژه

به هیچوجه پیش‌بینی صورت نگرفته بود. به نظر من یکی از عوامل بازدارنده و عدم انجام این امر، همین عدم پیش‌بینی سیاستهای لازم در این زمینه بود.

مطلب دوم، مسئله بازار در حال نوسان کشور بود. در واقع افراد زمانی اقدام به خرید سرمایه‌های بزرگ می‌کنند که بازار از یک ثباتی برخوردار باشد و چون بازار از ثبات برخوردار نیست طبیعی است که سرمایه‌گذاران در خرید سرمایه‌های بزرگ با احتیاط برخورد می‌کنند. مطلب سومی که در عدم تحقق این هدف مؤثر بود خود واگذارکنندگان بودند، که به نظر من تمایل چندانی به این امر نداشتند.

من کارخانه‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنم:

۱- کارخانه‌های سودده،

۲- کارخانه‌های زیان‌ده،

طبیعی بود که دارندگان کارخانه‌های زیان‌ده مایل به واگذاری آنها بودند اما طبیعی بود که کسی مشتاق به خرید این کارخانجات نباشد.

اما مدیران کارخانجاتی که در واقع سودده بودند، مایل نبودند که واحدهایشان واگذار شود و طبیعی است که اطلاعات لازم و صحیح را در اختیار متقاضیان قرار ندهند. الان بیشتر کارخانجاتی که سودده بودند و واگذار شده‌اند، توسط مدیران و دست‌اندرکاران همان کارخانجات خریداری شده‌اند! افراد بیرونی نتوانستند

دری نجف‌آبادی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه:

* با دیکته کردن و تعیین تکلیف نمودن، نمی‌توان بانکها و سایر مراکز تجاری را مکلف به خرید صدها هزار سهم کرد.

اجرای یک جریان سالم و سازنده باشد؛ نه خود مردابی شود تا آب شیرین و مفید را به لجن و تعفن تبدیل کند. البته باید زمینه را برای حرکت و رقابت سالم شرکتی فراهم نمود و ساختار غیرضروری شرکتها و ریخت و پاشها را به حداقل رساند و مدیریت را به معنی صحیح کلمه در این شرکتها تقویت کرد. قطعاً این شرکتها می‌توانند در اقتصاد ملی نقش مفید و سازنده‌ای را ایفا کنند.

حجت الاسلام والمسلمین سید حسین حسینی شاهرودی، رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی:

البته در برنامه پنجساله اول واگذاری مراکز تولیدی در اختیار دولت به بخش خصوصی پیش‌بینی شده بود و اینکار محقق و مشهود است. اول باید این نکته را عرض کنم که صرف پیش‌بینی انجام کاری، دلیل بر تحققش نمی‌شود. در قانون پیرامون این نکته که با چه مکانیزمی؟ با چه سیاستی؟ با چه افرادی؟ با چه قیمتی؟ و ... واگذار کنیم

تمایل بخشهای غیردولتی به برداشتن مقدار باریست که دولت می خواهد بر زمین بگذارد و آنها می خواهند انجام بدهند. اگر ذاتاً بخش خصوصی تمایل نداشته باشد که این وظیفه را بعهده بگیرد، نمی توان آنها را مجبور کرد. یا اینکه ممکن است زمینه فعالیت بخش خصوصی و غیردولتی فراهم نشده باشد؛ یعنی قوانین و مقررات، و سیمای اقتصادی کشور طوری باشد که بخش خصوصی تمایل نداشته باشد که در اموری که دولت به آن محول می کند سرمایه گذاری کند؛ مخصوصاً در بخشهای تولیدی. اگر ما شرایط تحقق سرمایه گذاری بخش خصوصی را در بخش تولید فراهم نکنیم یا به عبارت دیگر زمینه ای را ایجاد کنیم که در بخشهای خدماتی و در مشاغل کاذب سود سرمایه گذاری بیشتر باشد، قطعاً موفق نخواهیم شد.

مسأله دیگر، تعهد است و باید کاملاً مواظب باشیم که افراد حقیقی یا حقوقی که تعهدی به نظام مقدس جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ندارند. در این وادی وارد نشوند.

دکتر نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین:

* با گذشت بیش از دو سال از شروع خصوصی سازی، هنوز سیاست و برنامه مشخصی که بتواند راهنما و راه گشای مجریان باشد، تدوین نشده است.

وارد شوند و بخرند. اگر این روند ادامه داشته باشد باز هم عدم توفیق خواهیم داشت.

آقای محمد باقر بهرامی، رئیس کمیسیون امور اداری و استخدامی:

همان طور که اطلاع دارید، مسأله خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه جایگاه ویژه ای باز کرده است. باید توجه داشت که کشور ما با سایر کشورهای در حال توسعه تفاوتی دارد و نباید نسخه واحدی برای همه کشورهای در حال توسعه پیچید. مخصوصاً جمهوری اسلامی ایران که کشوری انقلابی است و بر اساس ضوابط و معیارهای مذهبی و مکتبی بنا شده است. هم از نظر مدیریتی و هم به خاطر اینکه دولت بتواند از توان و پتانسیل خودش در جهت اهدافی که دارد بیشتر استفاده کند باید مراقبت بیشتری داشته باشد تا این که بتواند برنامه ریزیهای مناسبتری را انجام دهد.

بنابراین، اصل واگذاری بخشی از وظایف دولت به بخش غیردولتی (خصوصی سازی) امری ضروری است اما لازم است چنانچه مسأله را درباره خصوصی سازی مطرح کنیم: یکی مسأله

گزارش ویژه

سال ۱۳۶۹ برای ۶۷ شرکت تقاضای پذیرش نمود که نهایتاً فقط ۱۴ شرکت موفق به ورود به بازار بورس در این سال شدند. عده‌ای معتقدند که تعدیل اقتصادی بدون خصوصی‌سازی، مفهومی جدی ندارد. به عبارت دیگر، در کنار حاکمیت باید مالکیت دولت را به حداقل رساند و یا مالکیت دولت را به افراد صاحب سرمایه واگذار کرد و بدین وسیله حجم و بودجه دولت را کاهش داد. البته طرفداران این نظریه کاملاً هم عقیده نیستند، بعضی‌ها طرفدار حذف مطلق دخالت دولت هستند و عده‌ای نیز دخالت دولت را مؤثر معرفی می‌کنند. مستقل از اینکه این عقاید صحیح است یا خیر یا اینکه حد مطلوب دخالت دولت چه مقدار است، عملکرد دولت را در چهار سال گذشته - در این زمینه - ارزیابی می‌کنیم:

یکی از اولین اقدامات دولت، ایجاد بازار بورس بود تا از طریق آن بازار، سهام کارخانه‌ها و مؤسسات اقتصادی بله مردم عرضه شود. دولت لیست کامل کارخانه‌های قابل عرضه را تنظیم و ارائه کرد؛ بخشی از سهام آنها به قیمت ارزانتر به کارگران واحدها واگذار شد اکثر آنان سهام خود را پس از خرید، به دیگران واگذار کردند؛ بانکها که در واقع باید نقش دیگری به عهده داشته باشند، به خریداران و فروشندگان اصلی بورس تبدیل شدند. به طور کلی بورس در سال گذشته از حیز انتفاع ساقط

خصوصی‌سازی نباید به گونه‌ای باشد که باعث تزلزل حاکمیت ارزشهای اسلامی و انقلابی شود و یا امنیت ملی ما را به خطر بیندازد. همچنین نباید به ایجاد انحصار در واحدهای حقیقی و حقوقی منجر شود.

حجت الاسلام والمسلمین سید رضا اکرمی، نماینده سمنان و عضو کمیسیون مسکن و راه و ترابری:

خصوصی‌سازی در ایران در بحثهای نظری و نطقها جایگاه مناسبی دارد ولی در عمل چندان موفق نیست. وبه نظر می‌رسد عوامل زیر در عدم موفقیت آن نقش اساسی دارند: نبود باور جدی در این مورد در میان مسئولانی که نگران از دست دادن پست و مقام هستند، وجود بوروکراسی فراوان در امر انتقال، عدم اعتماد به امر واگذاری در بخش خصوصی، نبود سود مطلوب در مقایسه با تجارت و بازرگانی و مشاغل کاذب، عدم جاذبه از طرف بخش خصوصی و وجود دافعه در بخش دولتی.

آقای دکتر عبدالله ثانی سعیدی، نماینده مینو دشت و عضو کمیسیون بازرگانی:

انتقال مؤسسات اقتصادی به بخش غیردولتی تاکنون از سرعت لازم برخوردار نبوده است. در این مورد بازار بورس تهران در اواخر سال ۶۸ فعال شد و دولت تصمیم گرفت سهام بیش از ۳۰۰ شرکت تولیدی را واگذار کند. سازمان صنایع ملی ایران نیز در

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی، نماینده تهران و عضو کمیسیون سیاست خارجی:

از جمله مهمترین مواردی که به این امر مرتبط است، می توان به کوچک بودن حجم بازار سرمایه در داخل کشور اشاره کرد که عاملی بازدارنده در جهت فروش سهام شرکتهای دولتی به مردم و بخش خصوصی است. برای برطرف ساختن این مانع بزرگ و گسترش بازار سرمایه باید اقداماتی فوری اما حساب شده انجام داد از جمله باید راههای ورود اشخاص حقیقی و حقوقی به بازار سرمایه را باز کرد. باید با بیان واقعیات موجود در عرصه اقتصاد کشور، نگرش ایده آلیستی و توقعات و انتظارات بیش از حد معمول عموم مردم را نسبت به سرمایه گذاری در واحدهای صنعتی و تولیدی را رفع کرد و تفکری واقع بینانه را جایگزین آن ساخت. باید بین سودآوری فعالیتها در بخش صنعت و بخشهای بازرگانی و خدمات تعادلی منطقی ایجاد کرد، بازار بورس را استحکام بیشتری بخشید و نسبت به اصلاح اساسی و اصولی ساختار آن اقدام فوری انجام داد. برای تقسیم سود عادلانه شرکتهای پرداخت به موقع آن به سهامداران از سیاست مشخصی پیروی کرد و نسبت به اصلاح ساختار شرکت و سر و سامان بخشیدن به اوضاع مالی آنها قبل از واگذاری، تا حد ممکن تلاش کرد و تردید و دودلی سرمایه گذاران کوچک برای ورود به بازار خرید و فروش سهام را از بین برد.

سپری در آرا

شد. بنا به دلایلی مطبوعات و رسانهها از پرداختن به مسأله بازار بورس اجتناب کردند؛ زیرا تضعیف آن سبب بی اعتمادی بیشتر مردم و شکست سریعتر آن می شد ولی با این همه بورس تکان جدی نخورد، به جای آن که سرمایه داران وارد بازار بورس شوند، بانکها این وظیفه را به عهده گرفتند.

آقای مهندس علی نقی سیدخاموشی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

بی تردید عدم دستیابی به اهداف، ناشی از منطبق نبودن هدف با ساختار منتخب برای اجرای کار بوده است.

آقای محمد مهدی خزائی، نماینده فریمان، احمدآباد و سرخس و عضو کمیسیون صنایع و معادن:

مؤسسات دولتی و کارخانههای تحت پوشش دولت فاقد کارآیی لازمند و مسؤولین نیز در این رابطه با احتیاط عمل می نمایند و می خواهند همه مسائل با اتکال به قضا و قدر حل شود. باید وضعیت صنعتی کشورهای موفق - چه اروپاییها و چه آسیاییها - همراه با فیلم و تصویر برای مسؤولین، نمایندگان و مردم تشریح شود.

گزارش ویژه

شرایط دیگری را نیز اقتضاء می‌کند. یعنی بخش خصوصی باید آمادگی این کار را داشته باشد. برنامه پنجساله مجوز این کار را صادر کرده اما صرف صدور مجوز به معنی کلی شرایط فکری و امنیت اقتصادی و ایجاد اعتماد لازم در خریداران نیست. به نظر من اگر در جهت ایجاد امنیت اقتصادی گامهای چشم‌گیری برداشته شده بود آن وقت حتماً این مسأله مورد استقبال قرار می‌گرفت.

آقای منصور سلیمانی میمندی، نماینده شهربابک و عضو کمیسیون صنایع و معادن:
نظر به اینکه در قانون پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجازه فروش به طور مطلق به دولت داده شده ولی طرحی برای فروش ارائه نشده است، دولت مدت زمان زیادی را صرف تهیه آیین‌نامه اجرای آن نمود و خط‌مشی جدیدی برای فروش تعیین نمود که آن نیز عملاً قدرت اجرایی ندارد و منجر به تمایل افراد حقیقی یا حقوقی داخلی یا خارجی برای خرید کارخانه‌ها نمی‌شود.

تکلیف سازمان در انجام معامله با طرف خارجی روشن نیست و توان اقتصادی داخلی نیز رغبت به انجام این معامله را ندارد.

آقای سید کمال‌الدین شهریاری، نماینده دشتی و تنگستان و عضو کمیسیون مسکن و راه ترابری:

من فکر می‌کنم شاید نتوان واگذاری

* **حسینی شاهرودی، رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی:**

* **من اصولاً با خصوصی سازی موافق نیستم، قرارداد کارخانجات در اختیار افراد خاص، مجدداً منجر به ایجاد طبقه در جامعه می‌شود.**

متأسفانه به دلیل وجود موانعی که ذکر شد، به نظر می‌رسد، برخی از سازمانهای عمده دولتی که امر واگذاری شرکتها را عهده دارند (سازمان صنایع ملی، سازمان گسترش و نوسازی، بانک صنعت و معدن و وزارت صنایع) تمایل کمتری به عرضه سهام شرکتها تحت پوشش خود به بخش خصوصی دارند.

به همین خاطر و نیز به دلیل عدم وجود تقاضا برای خرید سهام عرضه شده که به دلیل عدم اعتماد مردم به سوددهی شرکتها پدید آمده است، سازمانهای ذیربط در امر واگذاری شرکتهای دولتی تحت پوشش، نتوانسته‌اند عملکردی متعادل با پیش‌بینیهای انجام شده در برنامه پنجساله اول داشته باشند.

آقای دکتر سعید رجائی خراسانی، عضو کمیسیون سیاست خارجی:

به نظر من درست است که برنامه پنجساله پیش‌بینی کرده بود سیصد شرکت باید به بخش خصوصی واگذار شود ولی واگذار کردن شرکتها به بخش خصوصی

عملکرد دولت و اتاق بورس می باشد که نتوانسته زمینه و رابطه سالم توام با اعتماد و علاقه را در متقاضیان ایجاد کند.

حجت الاسلام والمسلمین عباسعلی عمید زنجانی، نماینده تهران و عضو کمیسیون امور قضایی و حقوقی:

پس از تجربه ناموفق دولت سالاری و تمرکز اقتصادی، این طرح می تواند برای مدتی به صورت آزمایشی جهت تعیین خط مشی آینده مورد استفاده قرار گیرد.

آقای دکتر حسن کامران، نماینده اصفهان و عضو کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی:

این مسأله به مواردی چون ساختار اقتصادی و اداری و ارزش ریال ارتباط دارد. به طور کلی قسمتی از مسائل اقتصادی مربوط به دیدگاههای اقتصادی و قسمتی از آن به دیدگاههای اجرایی مربوط می شود. این دیدگاهها نیز با ساختار اقتصادی - اداری پیوند دارند که اگر این پیوند گسیخته شود، اعتماد عمومی سلب می شود. یعنی افراد وقتی می بینند که ارزش سهام خریداری

سهام شرکتهای دولتی به بخش خصوصی را به عنوان یک اعتقاد یا یک تحول فکری مسؤولان و دست اندرکاران تلقی کرد. قبل از برنامه اول، مشکلات و مسائلی که در تولید و شرکتهای دولتی بوجود آمد، باعث شد که دولت به عنوان یک راه حل تصمیم بگیرد که برای انتقال این مشکلات از بخش دولتی به بخش خصوصی، شرکتهایی را واگذار بکند. من ادعا می کنم که چون این اعتقاد به وجود نیامد و تنها به عنوان یک راه حل از آن استفاده شد، متأسفانه شرکتهایی برای این انتقال انتخاب گردیدند که غالباً در روند تولید دچار مشکل بودند و اداره و ادامه کار آنها برای صاحبان شرکت با ضرر همراه بود. بنابراین، برای بخش خصوصی که همواره در کنار سرمایه گذاری سود مورد انتظار را می بیند، خیلی جالب نبود و از آنها استقبال چندانی نشد.

آقای محمود عطارزاده، نماینده سمیرم و عضو کمیسیون کشاورزی و عمران روستاها:

عدم توفیق در واگذاری سهام ناشی از عدم اعتماد مردم به سرمایه گذاری و عدم احساس امنیت سرمایه گذاری و همچنین بوروکراسی و محدودیتهای حاکم بر روند

*** مهندس فروزش وزیر جهاد سازندگی:**

*** در خصوصی سازی، صرفاً بر بورس تأکید شده است در حالیکه بازار بورس در ایران نوپاست و بعید به نظر می رسد که بتواند حدود ۳۰۰ شرکت را در خود جذب کند.**

گزارش ویژه

معدن، مبلغی را دریافت می‌کند اما رغبتی برای تولید و خدمات بیشتر از خود نشان نمی‌دهد. لذا در برنامه پنج‌ساله اول که پیش‌بینی شده بود خصوصی‌سازی صورت بگیرد، در هر دو بعد خارجی و داخلی، ناموفق بوده‌ایم. البته بعضی از مدیران ما هم تدابیر نظام را که مقام معظم رهبری اعلام می‌فرمایند رعایت نکرده‌اند و آنجا که پای خارجیان در میان است گاهی از این تدابیر تمرد شده است. در صورتی که ما می‌گوییم خصوصی‌سازی باید با جمیع جهات و اجرای تدابیر نظام انجام بگیرد. ما باید باتوجه به منافع نظام عمل بکنیم ولی این امر در برنامه اول اجرا نشده است.

حجت الاسلام والمسلمین سید آیت‌الله موسوی اجاق، نماینده کرمانشاه و عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس:
اطلاعات منتشره حاکی از آن است که سهم دستگاه‌های مختلف در واگذاری سهام به بخش خصوصی تا پایان سال ۱۳۷۱ بدین قرار بوده است:

سازمان صنایع ملی ایران ۵۰ درصد، بانک صنعت و معدن ۲۲ درصد، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ۱۷ درصد، وزارت معادن و فلزات ۷ درصد و بنیاد مستضعفان و جانبازان ۴ درصد.

به نظر می‌رسد واگذاری تاحدودی کند بوده است و عوامل تسریع‌کننده آن نیز به شرح زیر است:

شده کاهش یافته است، قطعاً تمایلشان به ادامه این روند کاهش می‌یابد و نتیجه آن می‌شود که صحنه رقابتی وجود نداشته باشد. کم‌اینکه بانکها در این رابطه وارد عمل شدند و صحنه رقابت کم‌رنگ شد. علت آن این است که ما نتوانستیم در مورد سهام به جامعه ضمانت لازم را بدهیم.

به اعتقاد من باید همه اینها را همزمان در نظر بگیریم تا اینکه آهنک و حرکت مناسبی داشته باشد. لذا دولت در برنامه اول در این امر ناموفق بوده و حجم معاملات بورس نتوانسته مشکل اقتصادی کشور را حل کند. یعنی شتابزده عمل شد، افرادی که تشویق شدند، روی رابطه بوده یا پای خارجیا در میدان بوده است! گاهی در واحدهای درآمدزا خلفایی نیز صورت گرفته است.

اگر قانون اساسی در مورد سرمایه‌گذاری خارجی، سهم هر یک را - چهل و نه درصد خارجی و پنجاه و یک درصد داخلی - تعیین کرده است بدین خاطر است که مدیریت در دست خودمان باشد. در این موضوع آنجا که پای خارجیا در میان بود، قانون رعایت نشد و به اعتقاد من بعضی از افراد ذینفع در شرکتهای داخلی ناصالح هستند. به طوری که در بسیاری موارد، سطح تولید پایین آمده است! مثلاً در کرمان از هفت معدن زرنند، دو معدن را به شرکت خصوصی داده‌اند؛ همین امر، تولید را پایین آورده است. چون شرکت مورد نظر برای تعهد ارائه کارهای خدماتی

بورس سهام ندارند زیرا حتی بعضی اشخاص متخصص نیز مکانیزم این جریان را نمی دانند.

۲- بازار کاملاً رقابتی در آن شکل نگرفته و دخالت قدرتهای خارج از بازار وجود دارد از جمله بانک مرکزی و دولت.

۳- کارگزاران بورس معدود هستند.

۴- ضوابط اقتصاد آزاد بطور ناآگاهانه توسط دولت مخدوش می شود زیرا در برخی موارد طرفین معامله گر سهام (خریدار و فروشنده) هر دو از سرچشمه قدرت دولت آب می خورند. مثلاً سازمان تأمین اجتماعی مشتری خرید سهام کارخانه سیمان صوفیان می شود اولی زیر نظر وزارت بهداشت و درمان و دومی زیر نظر وزارت صنایع است و این معامله تحت کنترل، هیچوقت حالت و مفهوم Laissezfaire که مدتها عقیده رایج اقتصاددانان جهان بوده را به خود نمی گیرد. در واقع این معامله را بیشتر به تغییر مدیریت شبیه است تا انتقال مالکیت!

آقای دکتر احمد نجابت، نماینده شیراز و عضو کمیسیون بهداری و بهزیستی:

خصوصی کردن یک پدیده، عمدتاً سیاسی است که به آزادی فعالیتهای اقتصادی مبنی برانگیزه های شخصی کسب و کارمتکی است. با توجه به قانون اساسی و تأکیدات مکرر امام راحل و قانون برنامه پنج ساله، متأسفانه عوامل مختلفی مانع این کار شدند: دخالتهای زیاد دولت، عدم امنیت اقتصادی، نداشتن برنامه و قانون مدون، نبود متولی

- ۱- حمایت جدی تر و مستقیم بانکی از واگذاریها.
- ۲- تصویب و اجرای دقیق قوانین و مقرراتی که روند واگذاریها را تسهیل نماید.
- ۳- ایجاد حس اعتماد در مردم نسبت به سرمایه گذاری.

آقای محمد نبوتی، نماینده ساوه و عضو کمیسیون دیوان محاسبات:

طبق اطلاعات دقیق بدست آمده از اداره مطالعات و بررسی های سازمان بورس و اوراق بهادار در تهران «از ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بازار بورس تهران تاکنون فقط ۱۹ شرکت به طور کلی به بخش خصوصی واگذار شده است و ۶ شرکت نیز تنها مالکیت آن انتقال یافته و بقیه شرکتها همچنان در تملک باقی مانده است.»

برای اینکه این امر یعنی عدم استقبال بخش خصوصی از انتقال مالکیت دولتی باز شکافی شود لازم است فرمول یا مکانیزم تعیین قیمت سهام عرضه شده در بازار بورس شرح داده شود.

ارزش سهم شرکت = میانگین سود سه ساله گذشته شرکت / میانگین سه ساله بازده سرمایه در صنعت

- علل عدم استقبال بخش خصوصی،
- ۱- مردم کشور ما آشنایی چندانی با بازار

گزارش ویژه

نیاز خود به اقتصادی‌ترین روش است اما مشکلات قانونی مانعی است که او را باز می‌دارد.

در نگاه دیگر ضرر انباشته شرکتها که ناشی از عوامل متعددی است بر دوش اداره کننده بخش خصوصی سنگینی می‌کند. انتظار این است که هزینه‌های بالای ترمیم را از محل منابع سرمایه‌گذاری تأمین کند و این صرف منابع در ترمیم، دیگر توانی برای توسعه و بکارگیری تکنولوژی جدید باقی نمی‌گذارد. اگر توسعه و استفاده از تکنولوژی میسر نشود، رقابت کیفی و رقابت در قیمت با محصولات مشابه در جهان میسر نخواهد شد و امید به باقی ماندن در بازار در شرایطی که حمایت‌های دولت برداشته شود حتی در بازارهای داخلی کاسته خواهد شد. علاوه بر موارد مذکور، هویت یک واحد صنعتی یا خدماتی به ایجاد اشتغال فعال و مفید و اداره کردن امور مختلف آن اعم از نیروی انسانی یا مسائل توسعه و غیره از محل بازار مصرف تولیدات آن در یک میدان رقابت بین‌المللی است و نباید به امکانات واحد در موقع واگذاری بصورت مایملک دولت نظر داشت و متوقع بود که در قبال واگذاری، ما به ازای قابل توجهی به صندوق دولت برگردد. ما به ازای واحد، اشتغال فعال آن، اداره کردن و ارتقاء سطح تخصص و دانش فنی شاغلین آن و توسعه آن است. در بسیاری از کشورها صنایع را با

محمدباقر بهرامی، رئیس کمیسیون امور اداری و استخدامی:

* باید بررسی کرد که آیا به همان اندازه که سازمانهای خصوصی سازی مقصر بوده‌اند، اختیار کافی نیز داشته‌اند؟

خصوصی‌سازی و مهمتر از همه جدی نگرفتن مسأله و معتقد نبودن به خصوصی‌سازی از عواملی هستند که مانع پیشرفت و گسترش خصوصی‌سازی شدند.

آقای مهندس غرضی، وزیر پست و تلگراف و تلفن:

در ابتدای برنامه، شرایط به نحوی بود که بیش از نیمی از بودجه کل کشور (در سال ۶۷ حدود ۵۶٪) به شرکتهای دولتی اختصاص داشت. این رقم در لایحه بودجه سال ۷۲ به ۶۲/۴٪ رسید. حتی در ۱۰ سال اخیر رقم شاخص تغییرات کمک دولت به شرکتهای دولتی همواره سیر صعودی داشته است؛ در حالیکه عملکرد بسیاری از این شرکتها غیرسودآور و با ضرر همراه بوده است. این شرایط، جذب نیروی وسیع غیرمتخصص و خدماتی را به شرکتها آسان کرد به نحوی که موجب تجمع و رسوب آنها شده است. بخش خصوصی برای اقتصادی کردن شرکتها، ناگزیر از استفاده از نیروهای متخصص و تأمین خدمات مورد

از نظر دور داشت. پرداخت ۱۵٪ سود به سپرده‌های بانکی و نوسانهای نرخ ارز ناشی از عدم تک نرخی شدن و سودآوری خرید و فروش آن بخصوص در اندازه‌های کلان، مباحث قابل توجهی هستند که در صورت نیاز در فرصتی دیگر به مکانیزمهای جذب و دفع سرمایه و استعدادهای اقتصادی در این زمینه خواهم پرداخت.

با توجه به دلایل فوق و طبیعت سرمایه که راه خود را به مجاری مطمئن و سودآور باز می‌کند، مشخص می‌شود که چرا سهام عرضه نشده یا خریدار نداشته است. آقای مهندس فروزش، وزیر جهاد سازندگی:

معمولاً سیاستهای خصوصی‌سازی در دوران تثبیت اقتصادی شروع می‌شود؛ ولی در کشور ما شروع این سیاست با عدم ثبات اقتصادی مقارن بود. دوران تثبیت اقتصادی به سرمایه‌گذار امکان می‌دهد که با آرامش خاطر خرید کند؛ در صورتی که در دورانی که ما موضوع خصوصی‌سازی را تعقیب

مهندس غرضی وزیرپست و تلگراف و تلفن:

* سازمانهای مستولی امر خصوصی‌سازی با تراکم نیروهای خدماتی روبرو هستند و حل و فصل مسائل آنها پیچیده است.

* درده سال اخیر، کمک دولت به شرکتهای دولتی همواره سیر صعودی داشته است.

حمایت بانکها واگذار می‌کنند و به محض فعال شدن اشتغال و تولید به حمایت از آن صنایع می‌افزایند. بنابراین، مشکل بینشی را نباید از نظر دور داشت.

جهت دیگر مطلب بر می‌گردد به استعداد جامعه برای تصدی و اداره کردن یک شرکت صنعتی یا تولیدی و خدماتی. در پاره‌ای موارد به علت انحصاری بودن برخی از فعالیتهای، استعداد تصدی در خارج از شاغلین آن صنعت وجود ندارد و نیاز به زمان و تزریق تخصص در جامعه و تغییر جهت پاره‌ای تخصصها است تا امکان واگذاری و اداره خصوصی آن میسر شود.

مدیریت توانمند و با تجربه برای اداره اقتصادی شرکتها بخصوص در صنایع سنگین و نیمه سنگین باید مورد توجه واقع شود و بهتر است مدیران ساخته شده در انقلاب، خود را بیازمایند و با سعه صدر اگر در اداره اقتصادی شرکتها توانمند هستند، مسئولیت بپذیرند و اگر نیاز به کسب تجربه بیشتر و مهارت وسیعتری دارند، برای همکاری مدیران مجرب که فعالیت آنها منع حکومتی ندارد آغوش بگشایند.

علاوه بر آن نباید نامتوازن بودن سود سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف را به عنوان یک عارضه در عدم تحقق پیش‌بینی،

گزارش ویژه

ترتیب که به دلیل کمی سطح تجربه کارگزاران، تعیین قیمت سهام تحت تأثیر افراد و سازمانهای با نفوذ قرار گرفت و بی دلیل افزایش یافت. افراد خریده‌پا نیز با انگیزه‌های سفته‌بازی و فروش مجدد سهام خریداری شده با قیمت بالاتر، جذب بورس شدند و سهامداران علاقمند به تولید و صنعت که سهام را برای مدتی طولانی نگه می‌دارند، عمدتاً در کار نبودند. هنگامی که قیمتها بیش از حد بالا رفت، بازار بورس با انبوه سهام بدون مشتری مواجه شد و چون امیدها به یأس تبدیل شده بود، دیگر خریداری وجود نداشت. بنابراین، افراد با مشکل کمبود نقدینگی در بورس مواجه شدند. همچنین، عدم امکان نقد (تبدیل به پول) کردن سهام، مشکل جدیدی شد که باعث فاصله گرفتن عده زیادی از بورس شد و در نتیجه بازار بورس اوراق بهادار جایگاه مناسب خود را برای شکل‌گیری بازار سرمایه از دست داد.

در چنین شرایطی امکان عرضه سهام به صورت عمومی وجود نداشت و مردم از آن استقبال نمی‌کردند؛ به همین دلیل نیز دولت مدت سه سال است که به خاطر نبود مشتری، عرضه عمومی سهام را متوقف کرده است.

عدم تدوین چارچوب قانونی محکم و متقن برای امر خصوصی‌سازی دلیل دیگری بر ناکامی آن است چرا که برای اجرای سیاستهای خصوصی‌سازی چارچوب

می‌کنیم، اقداماتی نظیر تک‌نرخ کردن ارز نه تنها به تثبیت اقتصادی کمک نمی‌کند، بلکه به تزلزل سرعت بخشیده و اتخاذ هر نوع تصمیمی را جهت سرمایه‌گذاری با مشکل روبرو می‌سازد.

در مصوبات مربوط به «خصوصی‌سازی»، صرفاً بر بورس و مکانیزم مربوط به آن تأکید شده است. در صورتی که بورس ما نوپا بوده و بازار سرمایه تکامل کافی به دست نیآورده است و بعید به نظر می‌رسد که بتواند حدود ۳۰۰ شرکت را جذب کند.

علاوه بر آن در ایران، فرهنگ سرمایه‌گذاری در امر سهام شکل نگرفته است و مردم پس‌انداز خود را به جای خرید سهام صرف امور نظیر خرید زمین، فرش، سکه و غیره می‌کنند. بنابراین، کمک به شکل‌گیری این فرهنگ باید بتدریج و با برنامه‌ریزی دقیق همراه باشد.

نکته دیگر اینکه خصوصی‌سازی در ایران با سیاست پولی انقباضی همزمان شد و بدین جهت اولاً ارائه تسهیلات به متقاضیان کاهش یافت و ثانیاً به منظور جلب سرمایه‌های سرگردان، نرخ بهره بانکها بالا رفت؛ در نتیجه، شرکتها با مشکل نقدینگی مواجه شدند و یکی از منابع مهم مالی تحدید شد.

از سوی دیگر شرایط داخلی بورس، باعث بروز محدودیت در روند خصوصی‌سازی سهام شرکتها شد. به این

نظر می‌رسد که تشریح برخی از آنها ضروری است. اصولاً شرط لازم جهت تحقق هر سیاستی ایجاد فضای مناسب جهت اجرای آن سیاست است. بنابراین، موفقیت در امر خصوصی‌سازی، منوط به فراهم کردن شرایطی است که به عنوان مهمترین پیش شرط باید از وجود تعهدات سیاسی قوی در کشور نام برد. بر اساس این تعهد سیاسی است که میزان تأیید و حمایت مسؤولین کشور از سیاست خصوصی‌سازی مجریان و دست‌اندرکاران ذیربط مشخص می‌گردد. از دیگر پیش شرطهای مهم می‌توان از ثبات لازم در سیاستهای اقتصادی کشور و حذف مقررات نام برد.

بنابراین، به صرف تدوین و یا تصویب سیاستی نباید انتظار موفقیت آن را داشت؛ مگر آنکه تمهیدات، پیش شرطها و مقررات لازم فراهم شده باشد.

خصوصی‌سازی در کشور در شرایطی آغاز شد که سیاستگذاری همه‌جانبه و منسجمی در این مورد شکل نگرفته بود و هم‌اکنون نیز پس از گذشت بیش از دو سال از اجرای آن، هنوز سیاست و برنامه مشخصی - که بتواند راهنما و راهگشای مجریان باشد - تدوین نشده است. از سوی دیگر، وجود خلاء قانونی در امر خصوصی‌سازی موجب همسو نبودن مقررات، سیاستها و اذهان سایر ارگانهای قانونی کشور با سیاست خصوصی‌سازی شده و ابهاماتی را برای ارگانهای نظارتی کشور به وجود آورده است. در صورتی که اگر خصوصی‌سازی به اتکای یک قانون

قانونی محکمی تدوین نشد و دست‌اندرکاران مردد بودند که چگونه عمل کنند تا مورد مؤاخذه قرار نگیرند. بدین جهت سایر اهداف خصوصی‌سازی را فراموش کردند و برای اینکه متهم به ارزان‌فروشی نشوند، اقدام به فروش سهام به قیمت گزاف کردند. در صورتی که در هیچ جای دنیا هدف از خصوصی‌سازی کسب درآمد بالا برای دولت نیست؛ بلکه هدف، افزایش کارایی و تقویت مکانیزم بازار و مدیریت است.

نکته دیگری که ذکر آن در اینجا ضروری است آنکه واگذاری شرکتها به عهده سازمان مالک آنها گذاشته شده است و واگذاری شرکتها توسط سازمانی که مالک آن است، یک امر منفی است؛ چون مسؤولین سازمان تمایل ندارند سازمان آنها کوچک شده و یا از اهمیت آن کاسته شود. به همین جهت در کشورهای دیگر، سازمان یا وزارت خاصی این امر را پیگیری می‌کند. بدین طریق فروش و تصمیم‌گیری در خارج مجموعه‌ها انجام می‌شود.

آقای دکتر نژادحسینیان، وزیر صنایع سنگین:

در بررسی علل این امر موارد متعددی به

گزارش ویژه

سیاست چندنرخی در چند سال گذشته، حجم زیادی از منابع ارزی کشور به مصارف واقعی آن نرسید و بدهی ارزی برای کشور به وجود آمد. از یکسو به دلیل ضعف مدیریت، آمار و ارقامی از میزان و زمان بدهیها در دسترس نبود. لذا از ابتدای سال جاری که رسماً قرار شد ارز یک نرخ شود و به تبع آن تمامی بوروکراسی موجود در امر تولید برچیده شود، مشکلات واحدهای تولیدی بیش از سالهای گذشته شد و مردم هر هفته شاهد بخشنامه‌ای جدید از طرف بانک مرکزی بودند و لذا سردرگمی عجیبی نسبت به سیاستهای ارزی در میان تولیدکنندگان به وجود آمد از سوی دیگر مشکل نقدینگی جهت گشایش اعتبار و کاهش میزان سوددهی شرکتها در ارتباط با مشکل نقدینگی، از عوامل جدیدی بود که در سال ۷۲ ایجاد شد.

- کمبود منابع نقدی نزد علاقمندان به سرمایه‌گذاری صنعتی و عدم وجود مکانیزمهای تأمین اعتبار از طریق سیستم بانکی.

- نامشخص بودن افق بازار برای تولیدات شرکتها داخلی به دلیل عدم حمایت کافی از تولیدکنندگان داخلی.

- تردید خریداران نسبت به وجود حمایتهای قانونی لازم از سهامداران.

- عدم تناسب میان بازده سرمایه‌گذاری در

* سیدرضا اکرمی، عضو کمیسیون مسکن راه و ترابری:

* خصوصی سازی در نطقها جایگاه مناسبی دارد ولی در عمل چندان موفق نیست.

* در مورد خرید سهام باید تحقیقات کافی صورت گیرد

جامع و فراگیر - با تصویب مجلس شورای اسلامی - به مورد اجرا گذاشته می‌شد، علاوه بر آنکه اجرای سیاست مذکور با موفقیت بیشتری قرین می‌گردید، قطعاً تکلیف بسیاری از ابهامها نیز مشخص می‌شد.

نکته قابل ذکر دیگر آنکه حجم معاملات در بورس اوراق بهادار در سالهای اخیر - و روند نزولی آن در حال حاضر - حکایت از آن دارد که تقاضای خرید سهام بسیار محدود بوده و این محدودیت نیز در سال ۷۲ افزایش یافت. در بررسی علل این محدودیت، عوامل مختلفی به نظر می‌رسد که برخی از آنها عبارتند از:

- کم اعتقادی مسئولین سیاسی کشور به امر خصوصی سازی و یا عدم اصرار آنها به سرعت بخشیدن به این امر.

- شناور نمودن نرخ ارز؛ اگرچه این کار از ضروریات اقتصادی کشور بود، ولی متأسفانه بسیار دیر انجام شد، یعنی در زمانی انجام شد که به دلیل تداوم

نمی‌شود. جهت تحقق این فرآیند زمینه‌های لازم در اقتصاد کلان فراهم گردد. این زمینه‌ها مشتمل بر سیاستهای مربوط به آزادسازی و تثبیت اقتصادی، آزادسازی تجارت خارجی، سیاستهای ارزی، آزادسازی مالی و پیش‌بینی ترتیب زمانی لازم فرآیند خصوصی‌سازی می‌باشد. به نظر می‌رسد مجموعه سیاستهای لازم جهت انجام موفقیت آمیز خصوصی‌سازی در کشور به صورت جامع و کامل تحقق نیافته است. بنابراین، این عوامل به همراه تنگناهای سیاسی و اجرائی مربوط به فرآیند خصوصی‌سازی موجب می‌شود که نتایج حاصله از مطلوبیت مورد نظر برخوردار نباشد.

شایان ذکر است که مجریان فرآیند واگذاری سهام شرکتهای دولتی و وابسته به دولت در مورد واگذاری همین میزان سهام نیز بادشواریه‌های عدیده‌ای روبرو بوده‌اند. شاید بتوان مدعی شد که در فضای حاکم بر فعالیتهای اقتصادی کشور، اقدام به واگذاری همین میزان سهام نیز کاری قابل تقدیر بوده است.

* دکتر نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین:
* ثبات لازم در سیاستهای اقتصادی کشور و حذف مقررات، دو پیش شرط مهم برای دستیابی به توفیق در خصوصی‌سازی است.

سپری در آرا

صنعت و سود سپرده‌های بانکی.
- ابهامهای موجود در قانون سرمایه‌گذاری خارجی.
- عدم کارایی سازمان بورس اوراق بهادار و عدم وجود اهرمهای کنترلی در سازمان مذکور.

آقای مهندس نعمت‌زاده، وزیر صنایع:
واگذاری سهام حدود ۳۰۰ شرکت دولتی تا پایان برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در سند برنامه ذکر نشده است. آنچه که به عنوان لیست شرکتهای دولتی و وابسته به دولت که سهام آنها می‌بایستی به بخش خصوصی منتقل شود، لیستی است که ضمیمه مصوبه هیأت وزیران در خرداد ماه سال ۱۳۷۰ شده که آن مصوبه نیز محدوده زمانی واگذاری سهام شرکتهای مذکور را مشخص نکرده است.
ولی از این نکته که بگذریم باید گفت که وقتی می‌گوییم واگذاری سهام شرکتهای دولتی و وابسته به دولت در حد معقول نبوده است، منظور ما چیست؟ فرآیند خصوصی‌سازی فرآیند پیچیده‌ای است که انجام آن صرفاً به انتقال سهام محدود

□ ساختار و توان مدیریتی و اجرایی سازمانهایی را که متولی امر خصوصی سازی هستند، چگونه ارزیابی می کنید؟

حجت الاسلام والمسلمین سید حسین حسینی شاهرودی، رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی:

من در کشور، سازمانی را به عنوان سازمان متولی، خصوصی سازی نمی شناسم. تا بگویم که توان اینها چقدر است! بلکه امر خصوصی سازی به عنوان یک تکلیف بر عهده مدیران اجرایی که این کارگاههای تولیدی و صنعتی در اختیارشان بود، گذارده شد. بدون اینکه سیاستگذاری برای این تکلیف شده باشد. حتی تکلیف هم نبود بلکه توصیه بود، پس برای عدم انجامش هم هیچ مواخذه ای پیش بینی نشده بود. فقط توصیه شده بود که خصوصی سازی بکنند. بنابراین من نمی توانم ارزیابی داشته باشم چون هیچ مرکزی را به عنوان مرکز متولی امر خصوصی سازی نمی شناسم.

ما اگر واقعاً بنا بر خصوصی سازی داریم باید مرکزی را ایجاد بکنیم که این مرکز خارج و فارغ از مدیران اجرایی و صاحبان صنایع باشد. ما نمی توانیم خصوصی سازی را به کسانی که الان متولی این صنایع هستند واگذار بکنیم. بلکه باید یک هیئتی را از دستگاههای مختلف مؤلف بر این کار بکنیم که نفعی از این کار نداشته باشند و ضرری هم از این کار شامل حالشان نشود تا

این امر بتواند محقق بشود. البته من اصولاً با خصوصی سازی موافق نیستم. اینکه ما کارخانجات بزرگمان را در اختیار افراد خاصی قرار بدهیم، باز هم همان مسئله قرار گرفتن سرمایه های کشور در اختیار افراد خاص خواهد شد و در واقع به ایجاد طبقه در جامعه منجر می شود که با عدالت اجتماعی موافقت ندارد. من با مردمی کردن نهادهای تولیدی موافق هستم. شرکتهای بزرگ به وجود بیاوریم، مثل خیلی از کشورهای آزادی هم هستند. مثل ژاپن و امثال اینها.

در این کشورها ما می بینیم که سرمایه های بزرگ در دست شرکتهای سهامی است که تعداد بسیاری سهام دار دارند. مثل تویوتا، میتسوبیشی و امثال اینها که شاید دهها هزار نفر سهام دار در آنها وجود دارد. نظر ما این است خصوصی سازی نکنیم، مردمی سازی بکنیم، مکانیزمهایش را هم می شود پیش بینی کرد و این امر می تواند مؤثر هم باشد.

آقای محمد باقر بهرامی، رئیس کمیسیون امور اداری و استخدامی:

در این زمینه باید دید که سهم

گذشته اندیشیده‌ایم که چرا برخی افراد از خرید سهام پشیمان شده‌اند؟ آیا هیچ فکر کرده‌ایم چرا عده‌ای قلیل - با دسترسی انحصاری به اطلاعات تقریباً محرمانه شرکت‌ها - به ثروتهای کلانی دست یافته‌اند؟

آیا هیچ‌گاه این موضوع مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که ثروت هنگفت این افراد با ضرر و زیان تعداد قابل توجهی از هم‌میهنان که از چندی پیش با کاهش قیمت سهام هستی خود را از دست داده‌اند بی‌ارتباط نیست؟ چگونه است علی‌رغم گذشت ۴ سال از سیاست فروش سهام شرکت‌های دولتی، مرجعی قابل اطمینان وجود ندارد که برای مردم توضیح دهد که براساس کدامین سیستم قیمت‌گذاری، قیمت سهام تا ۲۰ برابر ارزش اسمی خود افزایش می‌یابد و یا به یکباره بدون آنکه تغییر و تحول قابل توجهی اتفاق بیفتد، طی مدت کوتاهی به چند دهم قیمت خود کاهش می‌یابد؟

آیا این ساده‌اندیشی نیست که همه را به حساب قانون عرضه و تقاضای حاکم بر بازار بگذاریم؟

باتوجه به آنچه که گفته شد به نظر می‌رسد ریشه ناکامی سیاست خصوصی‌سازی در کشور ما در عوامل اجرائی و سیاست‌گذاری است. آنچه که در حال حاضر می‌تواند مقوله خصوصی‌سازی را در شرایط دشوار مالی تحرک بخشیده و به یک منبع درآمد برای دولت تبدیل کند، اصلاح بدنه اجرائی فرایند خصوصی‌سازی

دستگاههای متولی خصوصی‌سازی در این عدم موفقیت چقدر است؟ ممکن است شرایط اقتصادی یا سیاسی یا وجود برخی قوانین و مقررات در این عدم موفقیت تأثیر داشته باشد. در این صورت، دستگاههای متولی خصوصی‌سازی تقصیری ندارند. در هر صورت باید ببینیم که آیا به همان اندازه که آنها مقصر بوده‌اند، اختیار کافی داشته‌اند و می‌توانستند با این قضیه بهتر برخورد کنند یا خیر؟ و سپس به همان اندازه در ساختار تشکیلاتی و مسائل مدیریتی آنها تجدیدنظر بشود. باید دلایل آنها نیز بررسی شود. ممکن است عامل اصلی، قوانین و مقررات و یا شرایط اقتصادی - سیاسی جامعه بوده باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا کرمی، عضو کمیسیون مسکن و راه و ترابری:

توان اجرائی موجود در بخش خصوصی جدی نیست، از طرف بخش دولتی نیز به بخش خصوصی اعتماد نمی‌شود از طرف دیگر بخش خصوصی سیاست‌گذاری و نظارت از سوی دولت را نمی‌پذیرد.

آقای دکتر عبدالله ثانی سعیدی، عضو کمیسیون بازرگانی:

آیا هیچ‌گاه به این مسأله در طول ۴ سال

گزارش ویژه

امکاناتی که در اختیار آنان گذاشته شده است، محدود است و یا عملکرد خود آنان ضعیف است. مسأله خصوصی سازی و حدود و ثغور آن هنوز کاملاً مشخص نشده است و بسیاری از کسانی که باید نسبت به اینگونه امور آگاهی داشته باشند، هنوز متوجه این مسأله مهم نشده‌اند. بطور خلاصه، نمی‌توانیم متولیان این امر را تبرئه نمائیم اگرچه خودشان تقصیر را به گردن سایرین می‌اندازند.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعائی، عضو کمیسیون سیاست خارجی:

باتوجه به اینکه فروش سهام به دلیل عدم استقبال بخش خصوصی دچار رکود شده، برنامه‌های پیش‌بینی شده برای فروش سهام واحدهای دولتی از نیمه دوم سال ۷۰ تا اوایل سال ۷۱ تحقق نیافته و در نتیجه روند خصوصی سازی اقتصاد کشور با کندی مواجه شده و هیچ اقدامی اساسی برای رفع نواقص و نقاط ضعف انجام نشده است، می‌توان چنین نتیجه گیری کرد که توان مدیریتی و ساختار اجرایی سازمانهایی که متولی امر خصوصی سازی هستند، دچار ضعف و مشکلات بنیادی است و به نظر من باتوجه به عدم تحقق چنین اهدافی باید عملکرد و قدرت متولیان اجرای این سیاست و طراحان و برنامه‌ریزان آن را مورد بازبینی جدی قرار داد.

دکتر عبدالله ثانی سعیدی، عضو کمیسیون بازرگانی:
* انتقال مؤسسات اقتصادی به بخش غیردولتی از سرعت لازم برخوردار نبوده است.

است و این کاری است که نه از سمینار و کنفرانس بلکه از مقامات اجرایی انتظار می‌رود.

اگر واقعاً مسأله خصوصی سازی و واگذاری سهام بنگاههای تولیدی دولتی از اهمیت درجه اول برخوردار است، چرا چنین امر مهمی به عهده تشکیلاتی در حد یک دبیرخانه است؟ باید به مقوله خصوصی سازی با دید جدی‌تری نگریسته شود و این جدیت، نیازمند ابزار اجرایی قویتر از یک دبیرخانه است.

آقای مهندس علی نقی خاموشی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

تردید نیست که ساختار و توان مدیریتی و اجرایی سازمانهای متولی خصوصی سازی بسیار نارسا و نامکفی و به طور کلی غیر اصولی و فاقد توان لازم می‌باشند.

آقای خزائی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

متولیان اینگونه امور ضعیف عمل می‌کنند. می‌توان گفت یا اختیارات و

اجرای سیاست‌های اصلاحات اقتصادی و خصوصی‌سازی را به نهادی مستقل با مدیرانی لایق بسپارد.

آقای دکتر سعید رجائی خراسانی، عضو کمیسیون سیاست خارجی:

استنباط من این است که سازمانهای متولی امر خصوصی‌سازی خیلی قوی و موفق نیستند و گرایش‌های بخصوص، دادن فرصتهای ویژه به افراد یا گروههای خاص از مواردی است که به مجریان این برنامه‌ها نسبت داده می‌شود و اگر این شایعات درست باشد قطعاً باعث تضعیف کار خواهد بود.

آقای منصور سلیمانی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

سازمانهای اجرایی متولی امر خصوصی‌سازی، تبلیغ لازم را برای صحت عمل خود و پشتیبانی دولت برای جلب اعتماد خریداران داخلی و خارجی نکردند. همچنین در مورد خصوصی‌سازی نیز تبلیغ و ترویج کافی صورت نگرفت، لازمه این کار جسارت قانونی است تا بتوانند به

مهندس فروش وزیر جهادسازندگی:

* بازار بورس تحت سلطه شدید سیستم بانکی کشور است و باید از این حالت خارج شود.

* باید فرهنگ سرمایه‌گذاری در بورس بین مردم گسترش یابد.

اما بهترین روش برای حصول به نتایج دلخواه پس از بررسی دقیق و همه جانبه امور مربوط به خصوصی‌سازی اقتصاد کشور، تشکیل یک سازمان واحد یا نهاد دولتی با قدرت برنامه‌ریزی و اجرایی کامل و استقرار مسئولی کارشناس و خبره در رأس آن به منظور نیل به اهداف موردنظر است. متأسفانه در حال حاضر به دلایل عمده از جمله وجود شک و تردید در باره لزوم اجرای سیاست خصوصی‌سازی در میان برخی از مسئولان و کارشناسان اقتصادی کشور و تعدد سازمانهای متولی امر خصوصی‌سازی، ضعف در تشکیل دبیرخانه متولی این امر و... خصوصی‌سازی با دشواریهای فراوانی مواجه شده و روند آن به کندی صورت می‌گیرد.

به همین دلیل، دولت جمهوری اسلامی ایران قبل از هر اقدامی برای جلب مشارکت مردم و بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی می‌باید با ایجاد فضایی مناسب، آرام، با ثبات و امن، زمینه لازم را برای توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در امور اقتصادی فراهم آورد. آنگاه، با استفاده از تجربیات خصوصی‌سازی در کشورهای پیشرفته و تطابق آن با بافت اجتماعی سیاسی و فرهنگی کشورمان، امور مربوط به

گزارش ویژه

واحدهارابه گردن بخش خصوصی بیاندازند. بنابراین، من توان مدیریتی و اجرایی این سازمانها را مثبت ارزیابی نمی‌کنم.

آقای عطازاده، عضو کمیسیون کشاورزی:

آنچه که باعث تسریع و توفیق در اجرای سیاست یا برنامه‌ای می‌گردد، اعتقاد، علاقه و باور مجریان است. لذا در این راستا عدم توفیق، یا ناشی از ناهمخوانی سیاستها با شیوه‌ها و مکانیسم اجرایی است و یا مجریان خود انگیزه و اعتقادی به این امر ندارند؛ زیرا در صورتی که ایمان و باور در مجریان وجود داشته باشد، بسیاری از موانع و مقررات اجرایی خود به‌خود حل می‌گردد.

حجت الاسلام والمسلمین آقای عمید زنجانی، عضو کمیسیون امور قضایی و حقوقی:

هنگام آزمایش این طرح باید تشکیلات و مدیریت متناسب با آن را بررسی و تقویت نمود. همواره باید میان مدیریت، ساختار و برنامه، رابطه‌ای منطقی وجود داشته باشد.

آقای دکتر حسن کامران، عضو کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی:

سازمان خاصی برای این کار نداریم. یعنی ساختار خصوصی‌سازی همان ساختار اداری کشور است که خود آن نیز اشکال دارد. و همانطور که عرض کردم خصوصی‌سازی نیز قدری شتابزده به اجرا

درستی عمل نمایند.

آقای سیدکمال الدین شهریاری، نماینده دشتی و تنگستان و عضو کمیسیون مسکن راه و ترابری:

کشورهایی که خصوصی‌سازی را به‌عنوان محور توسعه اقتصادی خود قرار داده‌اند، با اعتقاد به این امر و با ایمان به این که خصوصی‌سازی امروزه به‌عنوان یک حرکت جدید در توسعه اقتصادی مطرح است اقدام به اجرای چنین سیاستی کرده‌اند، اما متأسفانه مسئولین ما با این اعتقاد قلبی به موضوع نگاه نکرده و هنوز قلباً به آن هم عمل نمی‌کنند در کشورهایی که در امر خصوصی‌سازی موفقیت‌هایی داشته‌اند می‌بینیم که بسیاری از شرکت‌هایی که هم از نظر کمی بزرگ و هم از نظر کیفی خیلی سودآور و مفید هستند، به بخش خصوصی واگذار شده‌اند. مثلاً فرض کنید در برخی از کشورهای دنیا شرکت‌های هواپیمایی را به بخش خصوصی واگذار می‌کنند و وقتی کارنامه این شرکتها را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که سودآور هم بوده‌اند و دولت هیچ دلیلی برای واگذاری آنها نداشته مگر همین اعتقاد!

اما متأسفانه دست‌اندرکاران ما وقتی به خصوصی‌سازی و واگذاری بخشهای دولتی به شرکت‌های خصوصی فکر می‌کنند، واحدهای فرسوده و از کار افتاده و ففل شده را مد نظر دارند تا مشکل اداره این قبیل

تحت نظریک نهاد وابسته به یکی از قوای سه گانه قرار گیرد مثلاً حدود هشتاد سال است معاملات املاک منقول و غیر منقول در بنگاههای معاملاتی املاک بطور آزاد انجام می‌گیرد و قولنامه می‌شوند و سپس در یک دفترخانه اسناد رسمی که یک واحد نیمه خصوصی و نیمه دولتی است و وابسته به قوه قضائیه می‌باشد به ثبت می‌رسند.

- قانون بورس و اوراق بهادار مربوط به سالهای ۴۵ و ۴۶ می‌باشد که تا بحال در آنها تجدیدنظر اصولی و بنیانی صورت نگرفته است.

- دولت هنوز رسالت تاریخی خود را در ارتباط با گسترش پژوهش تکمیل «حلقه‌های مفقود» در هر زنجیر کلان صنعتی را به انجام نرسانده است. در چنین شرایطی می‌خواهد تمامی صنایع زیربنایی را به بخش خصوصی بسپارد. بنابراین دولت در این خصوص دارای توان مدیریتی ای ضعیف‌تر از توانی است که ژاپن، آلمان و سایر دول توسعه یافته غربی داشته‌اند.

- کسانی که در غرب مدعی این امر (خصوصی سازی) هستند یا بوده‌اند دوره بعد از صنعتی (Post Industrial) را گذرانده‌اند و مدیریت استراتژیک را پشت سر گذاشته‌اند در صورتی که ما هنوز در مرحله برنامه ریزی استراتژیک که یک مرحله قبل از مدیریت استراتژیک تحلیل می‌شود، می‌باشیم.

- اصولاً هر تغییری در ارکان جامعه و سازمان توأم با مقاومت و تنش اعضاء آن جامعه و یا سازمان می‌باشد. در کشورهای

سیری در آرا

گذاشته شد. شتابزدگی هم به این معنا بود که گاهی وقتها قانون اساسی را درباره خارجی‌ها مراعات نکرده‌ایم. از جنبه داخلی نیز گاه افراد نابابی داخل قضیه شدند. در بعضی موارد سطح تولید پایین آمده و منافی هم برای کشور دربرداشتته است. لذا می‌توان گفت که ساختار و توان مدیریتی و اجرائی سازمانها در رابطه با عملکرد خصوصی سازی، منفی بوده است و به همین سبب در برنامه اول موفق نبوده‌ایم.

حجت الاسلام والمسلمین موسوی اجاق، عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی:

عدم تمرکز در مدیریت واگذاری از مشکلات بارز است. در برخی از کشورها برای این منظور حتی وزارتخانه نیز دایر می‌کنند. در حال حاضر پراکندگی مدیریت واگذاری گاهی موجب عدم وحدت رویه در امر واگذاریها نیز می‌شود.

آقای محمد نبوتی، نماینده ساوه و عضو کمیسیون دیوان محاسبات:

- مشخص است جایگاه عرضه سهام و بازار بورس سهام، جایگاه مناسبی نیست زیرا زیر نظر بانک مرکزی می‌باشد باید

گزارش ویژه

تنگناها و خلاءها همواره به وسیله دلارهای نفتی پر و رفع شده است.

۲- خرید و فروش اوراق و سهام به صورت بطئی صورت می‌گیرد زیرا شرط احتیاط بیشتر و بطور وسوسه آمیزی رعایت می‌شود دلیل این امر آن است که مردم، مطالعه و اطلاعات چندانی ندارند و بیشتر تصمیمات برای خرید آنها در حالت ریسک اتخاذ می‌گردد از طرف دیگر طی چند دهه اخیر دولتها در ایفای قولهایشان نسبت به ملت خلف وعده و لنگی داشته‌اند. مردم سهام را می‌خرند اما معلوم نیست سود آنرا کی و چه وقت دریافت خواهند داشت.

۳- در صنایع، وابستگی وجود دارد زیرا اقتصاد وابسته به نفت است و نفت هم در دست دولت است زیرا ۶۵ درصد درآمدها در بودجه از محل فروش نفت و گاز بدست می‌آید و بطور خلاصه اقتصاد یک اقتصاد دولتی است.

۴- اشاعه یک فرهنگ بدبینی که به نظر می‌رسد ناشی از تهاجم فرهنگی باشد در بین مردم نسبت به دولت. بدین معنی که مردم حتی کارهای مثبت دولت را نیز منفی تلقی می‌کنند. مثلاً سیاست فروش کارخانجات دولتی با هدف خصوصی سازی در مدنظر است در حالی که در بخش خصوصی چنین تلقی می‌شود که دولت کارخانجات ورشکسته یا در حال ورشکستگی را به معرض فروش می‌گذارد. یکی از مهمترین دلایل که برای ما هم

مهندس علی نقی خاموشی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

* ساختار و توان مدیریتی و اجرایی سازمانهای متولی خصوصی سازی بسیار نارسا و نامکفی است.

غربی و توسعه یافته اتحادیه‌های جاافتاده از قبیل اتحادیه‌های کارمندی، کارگری و کارفرمایی وضع و تغییرات را توجیه کرده و موجب کاهش نیروی مقاومت در مقابل اصلاحات و تعدیلات می‌گردند در صورتی که در ایران مقاومتها و فشارهای ناشی از آن مستقیماً متوجه سازمانهایی می‌شوند که متولی مدیریت و اجرای خصوصی سازی هستند. برای نمونه برنامه تعدیل نیروی انسانی را می‌توان به عینه مشاهده کرد که چگونه بیکارشدن یک عده در فضای تورمی موجود مسئله ساز می‌شود.

پاسخهایی که در ذیل سؤال یک ذکر شد در مورد این سؤال نیز صادق است لیکن این سؤال پاسخهایی را نیز دربردارد:

۱- به علت درآمدهای دلاری حاصل از فروش نفت، دولت کمتر به فکر تأمین منابع مالی برای اجرای پروژه از طریق فروش اوراق قرضه و سهام کارخانجات دولتی افتاده است در واقع درآمد نفت برای دولت و ملت به لحاظ عدم رعایت جنبه‌های مثبت آن یک حالت بدآموزی و عدم ریاضت اقتصادی در ملت ایجاد کرده است زیرا

۶۰ هزار خانوار در کشور وجود داشتند که درآمد ماهیانه آنها از ۳۰۰ هزار تومان بیشتر بوده است» این امر نشان دهنده این واقعیت است که اولاً از نظر درآمدی بریدگی وسیعی در جامعه وجود دارد در این صورت الف: پس اندازه‌ها کم می‌شود.

ب: به جای خرید اوراق قرضه و سهام، سرمایه‌ها به خارج فرار می‌کنند و یا صرف سفته‌بازی و احتکار در داخل می‌گردد.

ج: یکی از طرق سرمایه‌گذاری یا تهیه منابع مالی سرمایه که از پس‌انداز است، عقیم می‌ماند.

یک پاسخ فنی و علمی برای این سؤال وجود دارد که ذیلاً ذکر می‌شود

۱- بر اساس اطلاعات موجود تا پایان سال ۱۳۷۰ بیش از ۱۸۷۵ شرکت در بخش عمومی شناسایی و حسابرسی شده است. برآورده شده است که ارزش دفتری دارایی‌های این بنگاه‌ها به ۲۸ هزار میلیارد ریال می‌رسد هر چند ارزش روز این دارایی، از مرز ۴۰۰ هزار میلیارد ریال نیز بیشتر است برای تشخیص حجم این دارائی‌ها، کافی است اشاره شود که نقدینگی خصوصی در درون شبکه رسمی اقتصاد کشور در پایان سال ۱۳۷۰ معادل ۲۸/۶ هزار میلیارد ریال بوده است به بیان دیگر بخش

عینیت و هم ذهنیت تاریخی دارد عبارت از این است که «در ۵۰ ساله اخیر کشور ما، همیشه در حال تحولات سیاسی بوده است از دوران مشروطه به این سو می‌توان بین ۸ تا ۱۰ حادثه سیاسی بسیار مهم نام برد. فارغ از قضاوت در مورد ماهیت خوب یا بد این تحولات، باید توجه داشت که این تحولات سیاسی یک پیامد حتمی دارند و آن این است که در جامعه‌ای که عمر متوسط تحولات سیاسی آن ۸ و یا ۱۰ سال است هیچگاه اقتصاد پا نمی‌گیرد. هر حادثه مهم سیاسی الزاماً چند سالی را صرف از بین بردن آن دسته از مبانی اقتصادی می‌کند که مورد قبولش نیست، چند سال را نیز صرف ساختن مبانی تازه می‌کند. بنابراین هر تحول سیاسی مهم برای بوجود آوردن یک ساختار اقتصادی تازه به زمان نسبتاً طولانی احتیاج دارد و اگر پس از ایجاد ساختار تازه خود نظام سیاسی زیر سؤال برود و جابجا شود بدیهی است که قبل از اینکه نظام اقتصادی جدید شروع به بهره‌دهی کند دوباره «نوسازی» شروع می‌شود و تولید اقتصادی به‌رحال قربانی می‌شود.»

۶- طبق برآوردهای کارشناسی در سال ۶۳، در سازمان برنامه و بودجه «حدود

مهندس نعمت‌زاده وزیر صنایع:
* تعداد شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس از ۵۵ شرکت به ۱۵۳ شرکت افزایش یافته است.

گزارش ویژه

متولیان خصوصی سازی باید کاملاً دگرگون شود و یکی از مسئولین رده بالای کشور - مثلاً معاون ریاست جمهوری - مسئولیت اجرایی خصوصی سازی را به عهده گیرد و کمیسیونی با شرکت وزرای صنایع و دو نماینده مجلس و چند نفر از بازرگانان متعهد و با سابقه تحت نظر وی تشکیل گردد و بدون آنکه تحت تأثیر جو سیاسی قرار گیرند کار را انجام دهند.

آقای مهندس غرضی، وزیر پست و تلگراف و تلفن:

علی رغم اینکه دستورالعملهای خصوصی سازی صادر و به متولیان امر داده شده، ولی به مشکلات آنها توجه کافی نشده است. شاید نیاز به اصلاح ساختاری چندان نداشته باشند ولی قطعاً می توان با رفع موانع و مشکلات آنها توان قانونی آنها را افزایش داد.

از سوی دیگر سازمانهای متولی امر خصوصی سازی با تراکم نیروهای خدماتی روبرو هستند که حل و فصل مسائل آنها پیچیده است. یکی از مشکلات آنها مقابله با مدیریتهای تربیت یافته سویسید بگیر است که بشدت از واگذاری آنچه که سالها به دست دولت اداره می شده است به تشکیلات غیردولتی ترس دارند و جز با همکاری آنها این انتقال با سرعت و دقت کافی میسر نیست.

عمومی مجموعه بسیار ثروتمندی است که واگذاری و فروش آن ظرف مدتی کوتاه فقط در صورتی امکان پذیر می شود که منابع سرشاری در جامعه وجود داشته باشد.

۲- حجم تولید تحت کنترل عمومی، ترکیب عوامل تولید، کارآیی عوامل و سایر نکات اقتصادی در کارخانجاتی که سهام آنها به معرض فروش گذارده شده در پرده ابهام باقی مانده است.

۳- اهداف خصوصی سازی دولت عبارتند از: ارتقاء کارآیی فعالیتها، ایجاد تعادل اقتصادی، کاهش حجم تصدی دولت در فعالیتهای اقتصادی و خدمات غیر ضروری استفاده بهینه از امکانات کشور.

اولاً دولت برای تبلیغ این اهداف اقداماتی اساسی و چشمگیر به منظور آگاهی مردم نکرده است. ثانیاً با عنایت به این مجموعه کلی به نظرمی رسد که هدف واقعی دولت از واگذاری فعالیتهای اقتصادی به بخش خصوصی در قالب هدفهای اعلام شده معین و مشخص نمی شود. به نظرمی رسد که هدفهای اعلام نشده ای نیز وجود دارد که به مراتب مهم تر از هدفهای اعلام شده است و مادام که دولت با قاطعیت کامل هدفهای نهایی خود را از واگذاری اعلام نکند، جریان واگذاریها نمی تواند به دقت مشخص و معین شود.

آقای دکتر احمد نجابت، عضو کمیسیون بهداری و بهزیستی:

ساختار و توان مدیریتی و اجرایی

سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مسائل اجرایی و غیره آن را برعهده گیرد، به وجود نیامده است. لذا این موضوع موجب شده که سیاست‌گذاری متمرکز و وجود نداشته باشد و هر یک از دستگاه‌های اجرایی، سیاست‌گذاری و اجرا را رأساً خود برعهده گیرند. این امر علاوه بر آنکه موجب ناهماهنگی در اجرا و بروز مشکلات اجرایی گردید، کار فروش را هم دچار مشکل ساخت.

اصولاً ضروری است که در کار خصوصی‌سازی، سیاست‌گذاری به طور متمرکز و اجرا به طور غیرمتمرکز انجام شود. در حالی که در کشور ما هر دو مورد به طور غیرمتمرکز انجام شد و این امر موجب بروز مشکلاتی در کار خصوصی‌سازی گردید.

آقای مهندس نعمت‌زاده، وزیر صنایع:
اغلب سازمان‌هایی که در حال حاضر متولی امر خصوصی‌سازی هستند، فلسفه و مأموریت وجودی آنها انجام چنین امری نبوده است. از آنجا که ایجاد تشکیلات جدید در کشور ما همواره بُعد منفی بوروکراسی را به همراه داشته است، شاید بتوان گفت که متولیان امر در ابتدای کار به حق سازمان‌های اداره‌کننده شرکتها را متوالی فرآیند واگذاری سهام نموده‌اند. طبیعی است که در مراحل بعدی جهت انجام ابعاد نظارتی و سیاست‌گذاری به ایجاد نوعی تمرکز جهت انجام ابعاد نظارتی و سیاست‌گذاری، نیاز بود و تاکنون نیز نتایج

آقای مهندس فروزش، وزیر جهاد سازندگی:

تا بحال فرهنگ مدیریتی و سازماندهی ما بر این اساس شکل گرفته است که هر واحد، قلمرو بیشتری از وظایف را تصاحب کرده و حیطة عملکرد خود را وسعت بخشید. بدین ترتیب کمتر افرادی پیدا می‌شوند که دنبال فروش واحد خود باشند. این امر تقریباً ضدارزش تلقی می‌گردد. همچنین به علت عدم وجود چارچوب قانونی، مواردی چون شرایط خریداران، روش‌های واگذاری، قیمت‌گذاری و غیره، مبهم بوده است. بدین لحاظ سازمانها به کندی عمل کردند، علاوه بر این، گاه حساسیتها و سئوالات موردی که در این رابطه از مسئولین می‌شود، ترس از اقدام در مورد خصوصی‌سازی را افزایش داده است.

آقای دکتر نژادحسینیان، وزیر صنایع سنگین:

اگرچه سازمان‌هایی که متولی امر خصوصی‌سازی هستند نسبتاً دارای ساختار و توان مدیریتی و اجرایی لازم می‌باشند، ولی باید در نظر داشت که برای امر خصوصی‌سازی در کشور، یک نظام تشکیلاتی و اجرایی قوی که بتواند امور

گزارش ویژه

شروع فرایند خصوصی سازی، موفقیت‌هایی نیز کسب کرده‌اند؛ ولی تداوم و تسریع در فرآیند خصوصی سازی علاوه بر ایجاد فضای اقتصادی مناسب در کشور به سازماندهی مطلوب‌تر و پشتیبانی سیاسی نیاز دارد.

مطلوب حاصل نشده است. در هر حال، سازمانهای اداره‌کننده شرکتها جهت انجام امر خصوصی سازی ساختار درونی لازم را ایجاد کرده‌اند که با توجه به فشار حاکم بر فعالیت‌های این سازمانها در ده ساله قبل از

□ در سایر کشورها اعم از صنعتی و در حال رشد دولتها از طریق فروش اوراق بهادار و انواع سهام، منابع مالی مورد نیاز خود یا پروژه‌های در دست اجرای بخش دولتی را تأمین می‌کنند. در ایران این مسئله هیچگاه جایگاهی نیافته است. آیا دلیل خاصی برای چنین امری می‌شناسید؟

بخش غیردولتی به معنی صحیح کلمه که مالیات حقه را بپردازد، در اقتصاد و منابع ملی سهیم باشد، حقوق دولت و ملت را رعایت کند، به کار و تولید و پیشرفت بیندیشد و در جهت رفع وابستگی همت کند، یا دیده نشده و یا کمتر دیده شده است. با توجه به نگرشهای فوق، اینکه مردم کار کنند و دولت هدایت و نظارت کند و مالیات بگیرد و سیاستهای خود را اعمال کند و از تولید و صادرات غیرنفتی حمایت کند و استراتژی‌ها را در زمینه صنعت و خدمات و انواع تولید تبیین کند و خود به موارد زیربنایی بپردازد و دهها مسئولیت دیگر را انجام دهد، متأسفانه وجود نداشته و ندارد. لذا اگر بخواهیم در آینده اقتصادی سالم و پویا داشته باشیم، و بازار سالمی را به وجود آوریم، تولیدمان رشد کند و دلالتی و

حجت الاسلام والمسلمین دري نجف آبادی،
رئیس کمیسیون برنامه و بودجه:
ریشه این مسأله به ساختار اقتصادی ما در طول یکی دو قرن گذشته و شرایط حاکم بر آن باز می‌گردد.
اساساً اقتصاد ما هیچگاه در طول دهه‌های گذشته، سالم، سازنده، متکی به مردم به معنی واقعی نبوده و با توجه به صادرات نفت و درآمدهای دولت، عمدتاً توسط دولت و آبادی و اعمار وابسته به آن اداره می‌شد. بخش غیردولتی به عنوان بخشی سالم، سازنده، فعال، مردمی و متعهد، کمتر حضور داشته و نوعاً با بندوبست و ارتباط با دستگاه حکومت به تأسیس شرکتها و مؤسسات پرداخته و منافع آنی، مشخص و زودگذر را به منافع و مصالح ملی ترجیح داده است. بنابراین،

طرف. بدون اینکه هزینه را به درآمدها متصل بکنیم (مگر در یک بخش بسیار اندک و جزئی) در حالی که این کار، کار صحیح و درستی نیست. در این مسئله هم ما فروش سهام یا فروش شرکت دولتی را به صورت یک درآمد در بودجه تلقی می‌کنیم. در حالی که اینکار اصلاً صحیح نیست. درآمد آن چیزی است مثل مالیات. ما پولی را از مردم دریافت می‌کنیم یا دریافت هزینه خدماتی که به مردم می‌دهیم. اینها را می‌توانیم درآمد تلقی بکنیم، اما فروش نفت را نباید به عنوان یک درآمد تلقی بکنیم یا فروش کارخانجاتمان را نباید به عنوان یک درآمد تلقی بکنیم. بلکه اینها را باید به عنوان وجوه تغییر سرمایه‌گذاری تلقی بکنیم. یعنی اگر ما نفت را به فروش برسانیم نباید خرج امور جاری کشور بکنیم بلکه باید خرج سرمایه‌گذاری بکنیم. و در مورد فروش صنایع هم همینطور است. اگر ما سهام صنایع را به فروش می‌رسانیم اینها را باید باز در یک جای خاصی سرمایه‌گذاری مجدد بکنیم. مثلاً در سدسازی یا در ایجاد نیروگاههای انرژی‌زا یا در زمینه جاده‌سازی و... باید جای خاصی را برای سرمایه‌گذاری پیش‌بینی بکنیم.

ما در فروش سهام موفق نبودیم، البته سازمان بورس تأسیس شد ولی موفقیت چندانی نداشت که باید علل آن جستجو و برطرف شود.

اوراق بهادار هم تا الان در کشور به فروش نرسیده به دلیل اینکه نیاز چندانی به این قضیه پیدا نشده، البته به نظر من اگر امر

واسطه‌گری و هرج و مرج اقتصادی وجود نداشته باشد و دولت بتواند سیاستهای اصولی و درازمدت خود را اعمال کند، باید زمینه را هموار کرده و دست مردم را بگیریم و آنان را به مشارکت در امور اقتصادی تشویق کنیم و در امر مدیریت شرکتها و ایجاد شرکتهای سهامی عام به مردم اعتماد کنیم.

علاوه بر موارد فوق باید توجه داشته باشیم که بسیج ملی برای رشد و شکوفائی اقتصادی و افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، بسیج ملی برای ایجاد تحول و خلاقیت، بسیج ملی برای کاهش مصرف و قناعت و صرفه‌جویی و بسیج ملی برای حرکت و سالم‌سازی ساختار اقتصادی و افزایش قدرت ملی یک وظیفه، یک تکلیف و یک ضرورت و شرط بقا و دوام و عزت و سربلندی اسلام و جامعه است.

حجت الاسلام والمسلمین سید حسین حسینی شاهرودی، رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی:

اینکار در ایران به آن صورت انجام نشده ولی عرض کردم که اشکال کار بودجه‌ای ما این است که ما درآمدها را در یک طرف قرار می‌دهیم و هزینه‌ها را در یک

گزارش ویژه

در این مورد از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی تبلیغ صحیح انجام گیرد؛ قوانین محکم و بلندمدت تصویب شود. از درآمدهای کاذب جلوگیری شود، جلب اعتماد و باور مناسب بخش خصوصی نیز از ضروریات است. تجربه‌های دیگر را نمی‌توان الگوی کاملی برای اقتصاد و صنعت جمهوری اسلامی مناسب دانست؛ بلکه باید به فرهنگ و باور و عقیده مردم نیز توجه کرد. در این راه، توجیه‌گویندگان مذهبی، ائمه محترم جمعه و جماعت کشور در تشویق مردم جهت خرید سهام بسیار مؤثر است.

آقای دکتر عبدالله ثانی سعیدی، عضو کمیسیون بازرگانی و توزیع:

دولت، طرح فروش بعضی از کارخانه‌های دولتی و بسیاری از تأسیسات ملی شده و یا دولتی را در دست اجرا دارد. این عمل نشانه آن است که در اداره امور آنها، نحوه عملکرد مسئولان ذیربط با برنامه‌های دولت همخوانی ندارد؛ از جمله آنکه بسیاری از مؤسسات نه تنها برای دولت سودی ندارند، بلکه بار مالی هم دارند.

اگر این کارخانه‌ها جز ضرر درآمندی برای دولت ندارند، چرا این ضرر به بخش خصوصی منتقل می‌شود؟ آیا مجموع دارائی‌های نقدی و جنسی و سرمایه‌ای یک کشور اعم از دولتی و نیمه‌دولتی جزو

محمد مهدی خزائی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

* اگرچه متولیان خصوصی سازی تقصیر عدم موفقیت را به گردن سایرین می‌اندازند اما نمی‌توان آنها را تبرئه کرد.

بین استقراض از بانک مرکزی یا فروش اوراق بهادار باشد، فروش اوراق بهادار صد مرتبه بهتر است. چون آن چیزی که ما از بانک مرکزی دریافت می‌کنیم در واقع ضمانتی برای بازپرداختش نداریم اما در قبال فروش اوراق بهادار ضمانت بازپرداخت داریم. بنابراین، آن راه بهترین راه حل است که تا حالا هم انجام نشده است.

آقای محمد باقر بهرامی، رئیس کمیسیون امور اداری و استخدامی:

به نظر من باید کار فرهنگی کرد. یعنی از نظر فرهنگی این قضیه هم در بخشهای دولتی و هم در ذهن مردم باید جا بیفتد. هرچه کار فرهنگی بیشتری انجام شود به موفقیت آن بیشتر کمک می‌کند.

حجت الاسلام والمسلمین سیدرضا اکرمی، عضو کمیسیون مسکن و راه و ترابری:

خرید بوزس و سهام و اوراق بهادار در کشورهای صنعتی غرب، سابقه طولانی دارد، ولی در ایران سابقه آن کم است؛ باید

شده نباشد.

آقای خزائی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

اگر موضوع از سوی دولت جدی گرفته می‌شد و به عنوان موضوعی بااهمیت با آن برخورد می‌گردید، وضعیت صنایع ما این گونه نبود، مشکلات فعلی صنعت کشور به علت حمایت ضعیف دولت از صنایع است؛ صنایع بعد از انقلاب به کودکی می‌ماند که به حمایت مستمر نیاز داشته باشد. صنایع موجود رها شده و ما به دنبال صنایع دیگر هستیم و نهایتاً ممکن است هم صنعت کهنه و هم صنعت نو را از دست بدهیم. دولت برای صنعت باید برنامه ۲۰ ساله و بیشتر را مد نظر داشته باشد و نباید برای توسعه صنعتی همه امکانات بالفعل و بالقوه خارج و داخل را لحاظ کنیم. باید بلندپروازی را کنار بگذاریم، امروز در شرایطی قرار گرفته‌ایم که اگر ادامه یابد، ممکن است صنعت سابق را نیز از دست بدهیم. خصوصی‌سازی به این مفهوم بوده

مهندس غرضی، وزیر پست و تلگراف و تلفن:

* در بسیاری کشورها، صنایع را با حمایت بانکها واگذار می‌کنند و به محض فعال شدن و تولید، به حمایت از آن صنایع نیز می‌افزایند.
* برای توفیق در خصوصی‌سازی باید خلاء قانونی پر شود.

سرمایه ملی نیست؟ اگر هست، چرا این ضربه باید به بخش خصوصی - که خود جزیی از سرمایه ملی است - منتقل شود؟ آیا فکر می‌کنید که در بخش خصوصی افراد کاردان و لایق‌تری وجود دارد که تا از ضرردهی کارخانه‌های دولتی جلوگیری کنند و آنها را به سوددهی برسانند؟ اگر چنین است چرا دولت اداره این قبیل مؤسسات را به پیمانکار واگذار نمی‌کند؟ بنابراین شخصی یا اشخاصی که کارخانه یا مؤسسه‌ای را از دولت می‌خرند، یقیناً فکری دارند؛ باید دید این فکر چیست.

آیا در دستگاه عریض و طویل دولت شخصی یا اشخاصی وجود ندارند که فکر بهتر و یا مشابه داشته باشند؟ اولاً چرا از وجود این افراد استفاده نشود؛ ثانیاً در صورت نداشتن فکر خوب - در دستگاه - چرا فکر اشخاص بخش خصوصی را به طریق منطقی و از راه دادوستد به بازار کار دولتی وارد نکنیم.

بخش خصوصی به قدر کافی برای خود مسأله دارد و اگر شخصی یا اشخاصی بخواهند فکر و سرمایه خود را در این بخش بکار اندازند، قطعاً به آن اندازه میدان و وسعت عمل وجود دارد که نیازی به خریدن فلان کارخانه یا شرکت ضرر بده و از رده خارج

گزارش ویژه

شود.

بدین ترتیب، درآمدهای حاصل از فروش اوراق بهادار و سهام شرکت‌های دولتی را می‌توان در راه‌های بیشتری از اقتصاد کشور را همراه داشته باشد، هزینه کرد؛ اما به دلیل مشکلات زیاد اقتصادی که بیشتر آن حاصل هشت سال دفاع مقدس و ویرانی‌های جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، نابسامانی بخش مالی و ارزی کشور، عدم ترکیب مناسب هزینه‌های جاری و عمرانی بودجه دولت، عدم دستیابی به درآمدهای مالیاتی کافی، هزینه‌های سرسام‌آور بازسازی و توسعه بدهی‌های خارجی و فشار ناشی از آن، تورم روزافزون و کاهش ارزش برابری پول ملی (ریال) در مقابل ارزهای خارجی... بوده است، حتی اولویت‌بندی برای تخصیص درآمد حاصل از فروش اوراق بهادار و انواع سهام نیز برای دولت دشوار است. ولی مهمترین نکته این است که آیا از این درآمدها استفاده بهینه صورت می‌گیرد یا خیر؟

ولی به علت عدم وجود سیاستی مشخص و فقدان آمار و ارقامی که حکایت از تأمین هزینه پروژه‌های ملی از طریق درآمد ناشی از فروش سهام شرکت‌های دولتی داشته باشد. پاسخگویی به این سوال دشوار است. اما برای تحقق این امر دولت باید ضمن تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خود برای تخصیص بهینه این قبیل

است که اگر کارخانه‌ای در حال احداث یا نیمه تمام و... داریم آن را به بخش خصوصی واگذار نمائیم، حتی اگر لازم شد مبلغی هم خرج کنیم و آن را به بخش خصوصی بسپاریم. باید به عنوان یک ضرورت و نیاز، تمامی مسئولان و دست‌اندرکاران با اهمیت موضوع بیشتر آشنا شوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعائی، عضو کمیسیون سیاست خارجی:

البته بررسی‌های کارشناسانه و دقیق ثابت کرده است که هدف اصلی از خصوصی‌سازی، کسب درآمد برای دولت نیست؛ هرچند که این مسأله از اهمیت بسیاری برخوردار است.

از آنجا که در پاسخ به سوالهای قبلی اهداف اصلی دولت از اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی تا حدی بیان شد، مع‌هذا در ارتباط با بحث درآمدی که از اجزای سیاست خصوصی‌سازی برای دولت محسوب می‌شود و چگونگی مصرف اصولی و صحیح آن نظراتی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

باتوجه به این نکته که هدف دولت از خصوصی‌سازی توسعه اقتصادی و محکم ساختن زیربنای اقتصادی کشور است، باید تمهیداتی بیندیشد که درآمد حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، در راه نیل به این هدف حذف

بورس هستند کلیه کارخانجات از طریق بازار بورس قابل عرضه نیستند و کارخانجات سودآور زیادی در میان کارخانجاتی که برای فروش عرضه می‌شوند، وجود ندارد. لذا لازم است در مقررات بورس نیز تجدیدنظر شود و بازار هم همیشه تابعی از حالت کلی تفکر غالب جامعه است و در جامعه در حال غلیان و انقلابی ما لازمه امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری، ایجاد توازن لازم در تشکل اقتصادی است که اهرمهای مختلف قدرت را در کشور بدنبال داشته باشد و مجلس و دولت و مردم، از خصوصی‌سازی دفاع نمایند تا خصوصی‌سازی جای خود را در اذهان عمومی پیدا کند.

آقای سیدکمال‌الدین شهریاری، نماینده دشتی و تنگستان و عضو کمیسیون مسکن و راه و ترابری:

البته فروش اوراق قرضه امروزه روش متداولی در دنیا نیست و شاید چند دهه از عمر این روش گذشته باشد. ما نیز تجربه‌هایی از این روش داشتیم. در رژیم گذشته چند بار شاهد بودیم که برای رهایی از یک بحران مقطعی دست به چنین کاری می‌زدند. منتها ما الان نیازی به این کار نمی‌بینیم. برای اینکه راههای ساده دیگری برای رفع مشکلات اقتصادی ما وجود دارد که ما باید از طریق جلب اعتماد مردم سرمایه‌های آنها را به صورت اوراق قرضه در اختیار بگیریم.

سبزی در آرا

درآمدها، سازمانی را متولی این امر بکنند و معادل مبلغ واریز شده به خزانه بابت فروش سهام را صرف پروژه‌های ملی کند.

آقای رجائی خراسانی، عضو کمیسیون سیاست خارجی:

من فکر می‌کنم دولت و کسانی که در بخش دولتی روی برنامه پنجساله کار می‌کردند گمانشان این بود که با فروش سهام و کارخانه‌ها و خصوصی‌سازی منابع مورد نیاز تأمین می‌شود و احتیاج به استفاده از قرضه ملی نیست. ولی شاید در آینده لازم باشد در این مورد نیز بررسی لازم صورت گیرد و اگر نیازی باشد آن کار را هم انجام دهند. اما تنها به این دلیل که در جاهای دیگر از قرضه ملی استفاده کرده‌اند، نمی‌توانیم بگوئیم چرا این کار را انجام ندادند؟ در این مرحله شاید احساس کرده‌اند که ضرورتی ندارد.

آقای منصور سلیمانی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

باتوجه به محدودیت قانونی ارائه سهام در بازار بورس مبنی بر اینکه فقط کارخانجات سودآور که تراز مالی آنان سود لازم را نشان می‌دهد قابل ارائه در بازار

گزارش ویژه

نتوانستند این رقابت را تأمین نکنند. اگر این موارد اصلاح بشود، می‌توانیم به مرور یک جایگاه مطلوبی برای خصوصی‌سازی بدست آوریم.

حجت الاسلام والمسلمین موسوی اجاق، عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی:

به نظر می‌رسد در این زمینه به کار تبلیغی سیستماتیک نیاز است تا مفهوم مشارکت و سرمایه‌گذاری بیش از پیش برای مردم توضیح داده شود. از سوی دیگر حریم مالکیت افراد مورد حمایت قانون قرار گیرد تا نگرانی‌های احتمالی آنان - در مورد سرمایه‌ها - برطرف گردد.

آقای دکتر نجابت، عضو کمیسیون بهداری و بهزیستی:

هنگامی که بازار سهام با سردی و بی‌میلی به کار خود ادامه دهد و همچنان با رکود نسبی همراه باشد، پرواضح است که نتیجه‌ای بهتر از این نخواهد داشت! سهامداران وقتی با عدم موفقیت روبرو می‌شوند، چندان تمایلی از خود نشان نمی‌دهند. بنابراین برقراری ارتباطات و انجام تبلیغات مفید در جهت آشنا ساختن مردم با افزایش تولید و سودآوری کارخانه‌های بخش خصوصی از ضروریات است.

سید محمود دعائی، عضو کمیسیون سیاست خارجی:

* متأسفانه سازمان صنایع ملی، گسترش و نوسازی، بانک صنعت و معدن و وزارت صنایع، تمایل کمتری به عرضه سهام شرکتهای تحت پوشش خود دارند.

حجت الاسلام والمسلمین آقای عمید زنجانی، عضو کمیسیون قضایی و حقوقی: البته شاید نتوان عبارت «جایگاهی نداشته» را بکار برد، در برخی از مقاطع تاریخی و بحرانی مورد توجه بوده ولی شاید در تحلیل کنونی اقتصاد سیاست درهای باز در اقتصاد بر عرضه قرضه ملی ارجحیت داشته باشد.

آقای دکتر کامران، عضو کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی:

میان مسائل مختلف هماهنگی وجود ندارد. یعنی ساختار اقتصادی و اداری، ارزش ریال، و میزان اعتماد مردم و غیره، از مواردی است که نگذاشته مسأله خصوصی‌سازی جایگاهی پیدا نکنند. اگر فردی با خرید سهام با آینده اقتصادی نامعلومی برخورد نماید، قطعاً وارد میدان رقابت نمی‌شود. همانطوری که عرض کردم حتی بانکها هم با ورود خود به بازار سهام

آقای مهندس فروزش، وزیر جهاد سازندگی:

در کشورهای دیگر دولت و شرکتها می‌توانند اوراق بهادار منتشر کنند ولی در ایران فقط سهام می‌تواند در معرض فروش قرار گیرد و قراردادهای سلف و نظایر آن نیز با منع قانونی و شرعی مواجه نیستند، بنابراین، طبیعی است که بورس در ایران نمی‌تواند تمام سرمایه را جذب کند.

بورس هنگامی می‌تواند در جذب سرمایه‌ها موفق باشد که برای هر کس (سرمایه‌گذار) اوراق بهادار مخصوص و مناسب حال او وجود داشته باشد. در ایران نیز باید از طریق تحقیق مشخص شود که مردم بیشتر علاقه‌مندند پول خود را صرف چه اموری کنند و سپس مسئولین، اوراق بهادار و مناسب را مطابق ضوابط و مقررات اسلامی منتشر نمایند.

آقای دکتر نژاد حسینیان، وزیر صنایع سنگین:

دلیل این امر را باید عدم وجود بازار سرمایه و کمبود ابزارهای بازار سرمایه از

مهندس فروزش، وزیر جهاد سازندگی:

* معمولاً سیاست‌های خصوصی‌سازی در دوران تثبیت اقتصادی شروع می‌شود ولی در کشور ما شروع این سیاست با عدم ثبات اقتصادی مقارن بوده است.

آقای مهندس غرضی، وزیر پست و تلگراف و تلفن:

در برخی از کشورها، بخش خصوصی در اقتصاد، به‌صورت موزون و در یک سیستم منسجم با توجه به اهداف اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی خودشان رشد کرده و سیستم مدیریتی و نظام قانونگذاری آنها هماهنگ و همسو با بخش خصوصی شکل گرفته است و تحقق اهداف سیاستگذاران را دنبال می‌کند.

در برخی از کشورها نیز بخش خصوصی وجود نداشته و خصوصی‌سازی بخشهای اقتصادی آنها به معنی شکل‌دهی و ایجاد چنین بخشی است.

در ایران شرایط و اهداف به‌گونه دیگری است، ما سابقه بخش خصوصی را در کشورمان داریم اما به‌گونه‌ای ناقص و بیمار. ما سعی داریم با توجه به حفظ بافت اصلی ساختار اقتصاد به ترمیم، گسترش و بازسازی بخش خصوصی پردازیم. انجام این مهم، ابزار، مکانیزمها و اهرمهای ویژه‌ای را می‌طلبد. خلاء قانونی باید پر شود و اصول مدیریتی در یک سیستم حرکت رشد‌یابنده فراگیر در سطح جامعه تنظیم و سامان داده شود.

گزارش ویژه

پروژه‌های دولتی هنوز برای سرمایه‌گذاران کار شناخته شده و قابل قبولی نیست. ضمناً لازم به ذکر است که بعد از انقلاب اسلامی، فروش اوراق بهادار توسط دولت از لحاظ شرعی مورد سئوال بوده است.

آقای مهندس نعمت‌زاده، وزیر صنایع:

اینکه کشورهای صنعتی و در حال رشد تا چه میزان هدف خود را کسب درآمد از طریق فروش سهام شرکتها به منظور تأمین منابع مالی پروژه‌های در دست اجرای خود تعیین نموده‌اند، جای تأمل دارد. ولی اگر دولت سهامی در شرکتهای خود داشته و بخواهد آنها را بفروشد، چه بهتر که منابع حاصله را صرف اجرای پروژه‌های زیربنایی و تولیدی نماید.

یکطرف و عدم کارائی و سوددهی پروژه‌های دولتی از طرف دیگر دانست؛ بدین معنی که با وجود پراکندگی منابع مالی و کمبود ابزارهای بازار سرمایه - جهت هدایت آنان به سوی فعالیتهای اقتصادی - چگونه می‌توان انتظار داشت که این منابع برای تأمین منابع مالی موردنیاز پروژه‌های دولتی صرف شود؟ حتی در صورت وجود ابزارهای فوق‌الذکر نیز هدایت منابع به سمت چنین پروژه‌هایی مشکل بنظر می‌رسد؛ زیرا از جمله اهداف سرمایه‌گذاری، کسب سود و سهولت تبدیل سهام به پول نقد است. در حالیکه اولاً پروژه‌های دولتی اکثراً به علت طولانی شدن مدت اجرا و افزایش هزینه، سودآور نمی‌باشند و ثانیاً مشارکت در چنین

□ بازار سهام و بورس نتوانست نقش قابل توجهی در تشکیل سرمایه ملی و بسیج منابع مالی برای سرمایه‌گذارهای تولیدی در اقتصاد کشور پیدا کند. بطور مثال در حالی که حجم معاملات بورس در بسیاری از کشورها حتی بیش از تولید ناخالص ملی است، در جمهوری اسلامی ایران، این رقم به زحمت به یک درصد می‌رسد، به نظر شما چرا از این نظر عقب مانده‌ایم؟

ثبات اقتصادی نداشته باشد بازار بورس هم چندان رونقی نخواهد داشت. بورس هم در دنیا دارای ضابطه و قانونی است و نمی‌تواند از آن ضابطه و قانون تخلف بکند. ما تا وقتی این ضوابط را حاکم بر بورس

حجت الاسلام والمسلمین سیدحسین حسینی شاهرودی، رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی:

این عقب افتادگی به نظر من ناشی از عدم ثبات اقتصادی است. هر کشوری که

کوتاه مدت امکان ندارد. اما در دراز مدت می توانیم این را رونق بدهیم به شرطی که مدیریتی قوی بر امر بورس ما حاکم باشد.

آقای محمد باقر بهرامی، رئیس کمیسیون امور اداری و استخدامی:

باید ببینیم که چرا موفق نشده است و چرا به انجام این کار تمایل ندارند؟ آیا شرایط برای آنها آماده نیست؟ و یا بخشهای دیگری وجود دارد که سرمایه گذاری در آنها مفیدتر است؟ قطعاً کسی که از بازار بورس، سهام می خرد دیدگاه اقتصادی دارد و یکی از اهدافش کسب سود است و اگر خیلی بسدین باشیم، می گوئیم همه اهدافش سود جوئی است. باید ببینیم در بخشهایی که به مسائل کلان کشور مربوط می شود چرا سرمایه گذاری انجام نمی شود؟ زیرا بخشهای غیر تولیدی سود بیشتری دارد، به عنوان نمونه مثلاً تا زمانی که فردی می تواند در بازار ارز به راحتی ۱۰ یا ۱۵ میلیون یا چند میلیارد تومان سود ببرد، چرا در بخشهای تولیدی سرمایه گذاری کند که مسائل و مشکلاتی از قبیل قوانین و مقررات، عوارض، مالیات، مسائل کار و کارگری و مسائل سیاسی و غیره را به همراه دارد؟ هنگامی که فردی می تواند با خرید و فروش ارز ده ها برابر سود به دست آورد عقل معاش اجازه نمی دهد که بیاید در بازار، بورس سهام بخرد. بنظر من باید با مسائل کشور به صورت سیستمیک برخورد کنیم اگر به صورت مجموعه ای و سیستمی برخورد نکنیم و همه را نسبت به هم مرتبط

نکنیم بالطبع بورسمان از رونق خاصی برخوردار نخواهد بود. وقتی که در بورس شاهد افزایش ده برابری نرخ سهامی هستیم باید منتظر این باشیم که یک مرتبه سهام آن شرکت یا شرکت دیگری ده برابر هم کاهش پیدا بکنند. ما باید اصلاح ساختاری در بورس صورت دهیم. یعنی سازمان بورس ما واقعاً از افراد خبره، قوی و نیرومندی باشند که بتوانند از این نوسانات، از این افزایشها و کاهشهای بی رویه جلوگیری بکنند، خوب وقتی مردم یک دفعه می بینند که قیمت سهم یک کارگاه تولیدی ده برابر افزایش پیدا کرد یکدفعه برای خرید آن سهام هجوم می آورند و طبیعی است که این هم یک حدی دارد. یک دفعه بازگشت می کند، وقتی بازگشت کرد آن موقع است که رکود را بوجود می آورد، وقتی یک کارگاه تولیدی که روبه افزایش بود و در مدت کوتاهی افزایش چشمگیری داشت یکدفعه کاهش پیدا بکند، این همگان را از بورس و از خرید سهام زده می کند، بورس را دچار رکود می کند و وقتی دچار رکود کرد طبیعی است که موفقیتش کاهش یابد. اگر در امر بورس ثبات و یا یک مدیریتی قوی داشته باشیم می توانیم در دراز مدت در کشور به این کار رونق بدهیم. چنین کاری در

گزارش ویژه

جدید - بویژه درباره چگونگی عملکرد اقتصاد و دگرگونی اصولی اهداف اقتصادی - به تدریج حجم معاملات اوراق بهادار روبه کاهش نهاد و همچنین پس از تصویب قانون بانکداری اسلامی و ربوی بودن اوراق قرضه، معاملات اوراق مزبور نیز بکلی قطع شد، به طوری که حجم معاملات بورس در مقایسه با تولید ناخالص ملی، تقریباً به صفر رسید و به این ترتیب رکود شدیدی بر بازار بورس حاکم شد.

در بازار سرمایه جمهوری اسلامی، به دلیل دراختیار نبودن ابزار کافی تاکنون استفاده مناسبی از بورس صورت نگرفته است. با توجه به اینکه برخی از کارخانه‌های دولتی که سهام آنها در معرض فروش قرار گرفته‌اند، درآمدی برای دولت ندارند و اصولاً برای متقاضی، خرید سهام کارخانه صرف نمی‌کند که کارخانه مانند گذشته ضرر داشته باشد؛ زیرا این ضرر باید از جیب وی پرداخت شود. ولی در بخش دولتی هیچ دلیلی وجود ندارد که این ضرر و زیان را مدیران پرداخت کنند، بلکه معمولاً این زیانها از حساب بیت‌المال پرداخت می‌شود.

آقای مهندس علی نقی خاموشی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

باید یادآور شد که اصولاً جایگاه این بازار و شرایط مربوط و مهم‌تر از همه برخوردار با آن در عمل غیر منطقی و اشتباه است.

دکتر رجائی خراسانی، عضو کمیسیون سیاست خارجی:
* اگر در جهت ایجاد امنیت اقتصادی گامهای چشمگیری برداشته شده بود، حتماً مسأله واگذاری شرکتها نیز مورد استقبال قرار می‌گرفت.

ندانیم، ممکن است نتایج اکثر تلاشها با موفقیت همراه نباشد.

آقای دکتر عبدالله ثانی سعیدی، عضو کمیسیون بازرگانی و توزیع:

دولت‌ها از شیوه‌های گوناگونی برای تأمین منابع مالی مورد نیاز خود استفاده می‌کنند. در زمانی که میزان درآمدها توان رویارویی هزینه‌ها را نداشته باشند، از طرف سیاستگذاران پولی و مالی، اقدام به انتشار اوراق خرید و یا فروش دارایی‌های دولتی و بخش عمومی می‌شود.

طبیعی است در صورتی که راه‌حلهای اشاره شده کافی نباشد و یا ملاحظات خاصی از جمله اعمال سیاست‌های انبساطی مدنظر باشد، اقدام به افزایش بودجه خود می‌نماید. مکانیزم بورس اوراق بهادار نیز یکی از ابزارهایی است که دولت در چنین مواقعی از آن استفاده می‌کند.

با تبلور پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و پیدایش ایده‌های نو و معیارهای

تشکیل و قویاً از سوی نظام حمایت شود و کلیه نیازهای آن برطرف گردد. نباید این ستاد وسط کار رها شود. دو راه بیشتر نداریم: این کارخانجات پوسیده را آتش بزنیم و یا آنها را به سوددهی برسانیم.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعائی، عضو کمیسیون سیاست خارجی:

نگاهی به آمار ارائه شده از سوی سازمان بورس اوراق بهادار تهران نشان می‌دهد که از آبان ماه سال ۱۳۶۸ لغایت پایان اسفندماه ۱۳۷۱ تعداد ۱۲۹/۶ میلیون سهم جمعاً به مبلغ ۹۰۶/۲ میلیارد ریال در بورس تهران معامله شده است که تعداد ۷۹/۹ میلیون سهم، (جمعاً مبلغ ۵۳۶/۸ میلیارد ریال) آن مربوط به عرضه سازمانهای دولتی، بانکها و نهادهای غیردولتی بوده است. همچنین طی همین مدت تعداد شرکتهای پذیرفته شده در بورس از ۵۵ شرکت به ۱۵۳ شرکت افزایش یافته است. از آبان ماه ۱۳۶۸ تا پایان اسفند ۷۱ دادوستد سهام در بورس توانست بر روی متغیرهای کلان اقتصادی نیز تأثیراتی باقی گذارد؛ اما با گذشت بیش از سه سال، بازار سهام و بورس نتوانست نقش قابل

مهندس نعمت زاده، وزیر صنایع:
* بورس اوراق بهادار به دنبال آغاز فرایند خصوصی سازی، مجدداً فعال شد.

سبزی در آرزو

آقای محمد مهدی خزائی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

سرمایه گذاران عمده به عللی جرأت خود را از دست داده اند. آنها همانند کشورهای اروپائی خواهان تضمین هستند؛ یعنی تمایل دارند که با نهادهائی از قبیل بنیاد مستضعفان شریک شوند. در واقع آنها به خودشان متکی نیستند و احساس می‌کنند در کشور محلی از اعراب ندارند. از سوی دیگر سرمایه گذاران دست دوم و تعاونی‌ها را هم نتوانستیم تقویت کنیم. متأسفانه خیلی جاها وقتی افرادی که بنیه مالی چندانی ندارند و می‌خواهند از تسهیلات بانکی و سایر منابع استفاده نمایند به جای تشویق و ترغیب، سرکوب می‌شوند.

بنابراین، سرمایه‌گذاری امری مطرود شده است، اما از طرف دیگر، می‌خواهیم خودکفا باشیم اما بدون سرمایه‌گذار. دولت از مردم می‌خواهد و مردم از دولت، حالا نفر سوم چه کسی است که باید در این قضیه پادرمیانی کند و دستی بر سر صنعت قدیم بکشد و دستی دیگر به سوی صنعت مدرن دراز کند و آن را بفشارد، و نهایتاً وضعیت موجود را اصلاح کند؟ مشخص نیست. اما آنچه مسلم است آنکه یک بسیج عمومی و یک عزم و اراده ملی لازم است تا که ستادی

گزارش ویژه

خصوصی سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی تعیین نشده و به همین علت نمی‌توان میزان تحقق اهداف کمی دولت در رابطه با فروش سهام را مورد ارزیابی دقیق - با مقایسه پیش‌بینی‌های انجام شده و عملکرد برنامه - قرار داد.

علی‌ایحال، برای آنکه عدم کارایی لازم و بازدهی اصولی بازار بورس را دراییم، باید در درجه اول موانع بسیاری را که در راه گسترش بازار سرمایه و بازار بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد، برطرف کنیم. رفع موانع و مشکلات ذکر شده در ذیل، برای آنکه بازار بورس نقش مهم خود را در جلب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به سوی فعالیت‌های تولیدی ثمربخش ایفا کند، پیشنهاد می‌شود:

۱- رفع ابهام‌های موجود در مورد سیاست‌های تعدیل اقتصادی و واگذاری سهام با اعلام مواضع و نظرات صریح مقامات سیاسی، اقتصادی و مذهبی درباره این سیاستها.

۲- بازبینی مجدد آن بخش از مفاد قانون کار که مانع اصلاح ساختار نیروی انسانی در شرکت‌های دولتی و گذار شده است، با توافق نمایندگان کارگران و کارمندان و استفاده از نظرات آنان.

۳- برطرف ساختن موانع مخل در ثبات سیاستهای اقتصادی به منظور جلب اعتماد سرمایه‌گذاران.

۴- تعیین یک نهاد یا سازمان دولتی

توجهی در تشکیل سرمایه ملی و بسیج منابع مالی برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی در اقتصاد کشور ما ایفا کند.

به طوری که براساس آمار رسمی موجود، نقش مکانیزم بورس در تولید ناخالص ملی از ۰/۴۸ درصد فقط به ۱/۲۲ درصد افزایش یافت و سهم عرضه سهام شرکت‌های دولتی در تشکیل سرمایه ملی از ۰/۱۵ درصد به ۵/۴ درصد رسید.

این در شرایطی است که در سالهای ۷۰ و ۷۱ بخش عمومی و سیستم بانکی نیز وارد ترکیب خریداران سهام بخش خصوصی و مردم در بازار بورس تهران شدند؛ به طوری که در سال ۷۰ حدود ۲۱ درصد و در سال ۷۱ حدود ۳۲ درصد خریداران سهام را تشکیل می‌دادند. یعنی به دلیل بروز بحرانهای اقتصادی داخلی (تعویق در پرداخت بدهی‌های ارزی، آزادسازی واردات کالاهای ساخته شده از خارج، عدم توانایی رقابت تولیدات داخلی با محصولات وارداتی خارجی، نوسانات شدید ارز و... نقش بخش خصوصی در دادوستد سهام کم‌رنگ‌تر شده و با ورود شبکه بانکی به جمع خریداران شرکت‌های دولتی، در واقع انتقال سهام از بخش دولتی به بخش نیمه‌دولتی و دولتی دیگر صورت می‌گیرد. که این امر را خصوصی سازی نمی‌نامند. از سوی دیگر متأسفانه - یا خوشبختانه - در برنامه پنجساله اول توسعه هیچگونه هدف کمی عدد و رقمی برای

واگذاری و عرضه سهام آنها در بورس.
۱۱- جلوگیری از توزیع گسترده سهام شرکتها.

۱۲- در نظر گرفتن امتیازات و بخشودگی مالیاتی در مورد شرکتهایی که سهام آنها به فروش رفته است (به صورت محدود فقط برای چند سال).

۱۳- بیان تمامی واقعیتها و ارائه اطلاعات دقیق در مورد شرکتهای عرضه شده در بورس.

۱۴- اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از زیاندهی شرکتهای واگذار شده‌ای که در مقابل نوسانات شدید ارز و... ارزیابی فراوانی دارند.

موارد مذکور فقط شمه‌ای از مشکلات و نیز راه‌حلهایی برای سامان بخشیدن به امر خصوصی‌سازی بود که مسلماً با ایجاد یک نهاد یا اداره دولتی، و برخورداری از کارشناسان خبره و مدیران لایق که تمام وقت خود را مصروف این امر سازند و بابررسی موشکافانه‌تر این مسأله، قطعاً بهتر و سریعتر به مقصود می‌رسد.

آقای دکتر سعید رجائی خراسانی، عضو کمیسیون سیاستی خارجی:

اولاً خود معاملات بورس در کشور ما یک سنت نوین‌یادی است و برای اینکه در کشور جا بیافتند حتماً به زمان احتیاج دارد. شاید مهمترین نکته همان مطلبی باشد که در پاسخ به سؤال اول عرض کردم و آن این که تا ما امنیت اقتصادی در کشور فراهم نکنیم خیلی بعید به نظر می‌رسد که بتوانیم سرمایه

مستقل، برای برنامه‌ریزی و اجرای سیاست خصوصی‌سازی زیر نظر ریاست جمهوری و حتی معاون ایشان.

۵- رفع ابهامهای موجود در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی و تعیین حد و حدود فعالیت‌های اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی در مورد خرید و فروش سهام شرکت‌های عرضه شده در بورس.

۶- برطرف ساختن موانع قانونی و تسریع در امر آزادسازی مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانکی به منظور اعطای تسهیلات مالی و مدیریتی.

۷- تعیین چارچوب زمانی مشخص برای اجرای سیاست‌های واگذاری واحدهای تولیدی دولتی و مشخص کردن اهداف کلی مربوط به آن.

۸- توسعه بازار سرمایه با گسترش سطح فعالیت‌های بورس در سطح کل کشور و ایجاد امکانات مجهز برای تسهیل و تسریع امور مربوط به واگذاری شرکتها و دادوستد سهام آنها.

۹- مشخص ساختن ابعاد و حدود خصوصی‌سازی و نحوه مالکیت شرکتهای واگذار شده توسط اشخاص حقیقی و حقوقی.

۱۰- اصلاح ساختار مالی شرکتها قبل از

گزارش ویژه

مسئله دیگری که در جنب مسئله امنیت اقتصادی باید مطرح بشود این است که بعضی اوقات روشهایی را ابداع می‌کنیم که نخریدن سهام از بورس به صلاح و صرفه سرمایه‌گذار است. مثلاً وقتی که بانکها چهارده درصد یا پانزده درصد سود می‌دهند، کدام آدم عاقلی می‌آید ریسک کرده، چیزی را بخرد ممکن است پس‌فردا ارزان بشود؟ بسیاری از مردم پانزده درصد سود مسلم را بر آن سودی که احتمالاً در بورس سهام ممکن است بدست آورند، ترجیح می‌دهند. نکته دیگر اینکه بخش خصوصی از خود می‌پرسد در مدیریت این سهامی که می‌خرم چقدر دخالت دارم؟ چقدر حق اظهار نظر دارم؟ آیا من خودم آن را اداره خواهم کرد؟ یا نه! من پولم را می‌دهم، کاغذی به دستم می‌دهند و بعد قیمتش را هم خودشان تعیین می‌کنند! بالا و پائین رفتن قیمت بورس سهام روی چه ملاکی است؟ آیا واقعاً مستقل از یک سلسله سیاستها و گرایشهای خاصی است که خود مدیران بورسها عمل می‌کنند؟ یا نه، با یک سلسله ملاحظاتی است که در دست مدیران انجام می‌گیرد؟ اینها چیزهایی است که در خریدار ایجاد تردید می‌کند.

به هر حال وقتی مردم می‌خواهند پولشان را در یک جایی صرف کنند، فکر می‌کنند که در جای مطمئنی صرف بکنند و اگر شبهه و تردیدی نسبت به هر یک از این

منصور سلیمانی میمندی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:
* سودآوری، شرط بازار بورس برای ورود شرکتهاست و در میان کارخانجات قابل واگذاری، تعداد زیادی سودده نیستند.

جذب بکنیم. چه سرمایه داخلی، چه سرمایه ایرانیهای خارج از کشور و چه سرمایه‌های متعلق به غیر ایرانیها (یعنی سرمایه‌های خارجی) ممکن است حتی اکنون که پانزده سال از انقلاب می‌گذرد شاهد باشیم که در یک مورد مثلاً مالی مصادره شده باشد! می‌بینیم که در اعاده اموالی که به اشتباه مصادره شده خیلی کوتاهی و تعلل می‌شود. ما مواردی را سراغ داریم که قطعاً مصادره آنها اشتباه بود و خود مصادره‌کنندگان هم معترفند که اشتباه بود، ولی ظاهراً در گرفتن اموال مردم بیشتر جسارت وجود داشته تا در پس دادن آنها! و این باعث شده عده زیادی که آمده‌اند و ادعای خودشان را در مراجع قانونی و اجرائی مطرح کرده‌اند و حتی ظاهراً حق هم به جانب آنها بوده، توفیقی در پس گرفتن اموالشان نداشته‌اند. بسیاری از کسانی که سرمایه‌دار و پول‌دار هستند تا مطمئن نشوند که امکانات و تضمین‌های قانونی برای حفظ سرمایه‌های آنها وجود دارد، سرمایه‌گذاری نمی‌کنند.

واگذار کنیم و از محل درآمدهای حاصل از آن به بازسازی بخشهای تولیدی که دچار نوعی رکود و عقب افتادگی است، پردازیم تا آنها را هم فعال بکنیم و رونق بدهیم و برای آنها هم بازاریابی خوبی بکنیم! درست در جهت معکوس عمل کردیم و خصوصی سازی را از بخشهای غیرفعال و راکد اقتصادی شروع کردیم و دقیقاً، به خاطر همین دلایل در بورس هم توفیق چندانی نداشتیم.

آقای عطاءزاده، عضو کمیسیون کشاورزی:
به نظر می رسد که علی رغم تبلیغات، هیچگاه نتوانسته ایم زمینه پذیرش فکری و مشارکتی افراد جامعه را در سرمایه گذاریها و تحرکات و تحولات اقتصادی به وجود آوریم؛ در صورتی که اگر طرح و تحقق اهداف ملی برای مردم بویژه توانمندان اقتصادی به عنوان بخشی از آرمان ملی و مذهبی آنان باورانده شود و به موازات آن امکان و مکانیسم بهره وری از این توانائیها تعیین و تقویت گردد، بسیاری از محدودیتهای موجود مرتفع خواهد شد.

سید کمال الدین شهریاری، عضو کمیسیون مسکن و راه و ترابری:
* برای واگذاری، اغلب شرکتهای مسأله دار و ضررده انتخاب شدند.
* متأسفانه خصوصی سازی را از بخشهای راکد و غیرفعال شروع کردیم.

جوانب داشته باشند چه در جنبه مدیریت آن چیزی که خریده اند، چه در بالا و پائین شدن قیمتها و چه در جهت وجوه و یا عدم امنیت اقتصادی در کشور! اقدام نخواهند کرد. بنابراین تا این جهات را محکم نکنیم و اطمینان کافی در مردم فراهم نکنیم، نباید منتظر باشیم که سرمایه های بخش خصوصی به سوی سهامی که اختیارش به دست خود او است سرازیر بشود.

آقای سید کمال الدین شهریاری، عضو کمیسیون مسکن و راه و ترابری:
این عقب ماندگی ناشی از چند علت است یکی اینکه در کشور ما بورس بازی تجربه جدیدی است و خیلی ها به آن هنوز اعتقاد ندارند، به همین دلیل مدت زیادی در مملکت ما بازار بورس تعطیل بود و اخیراً مجدداً فعال شد.

مطلب دیگری که باید من عنوان کنم به دو سوال قبلی شما در مورد خصوصی سازی مربوط است. به این معنی که متأسفانه در این قسمت هم ما به این سمت نرفتیم که اول آن بخشهای فعال و پویای اقتصادی را که در اختیار دولت قرار دارد و مورد تقاضا برای سرمایه گذاران بخش خصوصی است، به بخش خصوصی

گزارش ویژه

خود را حل کند، بلکه مشکل آفرین نیز می‌شود. کما اینکه مثلاً چهل درصد صنایع نساجی کشور در اصفهان است و همین امر اکنون برای اصفهان به صورت یک مشکل درآمده است. پس اگر بازار سهام ما موفق نبوده که در سرمایه‌گذاری واحدهای تولیدی و اقتصادی نقشی فعال داشته باشد، به‌خاطر وضعیتی است که واحدهای تولیدی ما دارند.

در مسائل اقتصادی نیز وضع همین‌طور است. بازار آشفته و واردات بسیار زیاد به تولید کشور لطمه وارد کرده است. مناطق آزاد در این مدت در واقع خوب عمل نکرده‌اند و به جای اینکه صادرکننده باشند، واردکننده بودند. و این به بسیاری اقسام تولیدی کشور - که اقسام بسیار مهمی نیز در بین آنها هست - لطمات جبران‌ناپذیری وارد کردند. طبیعی است وقتی که سرمایه‌گذار می‌بیند که مشکلات مختلفی در امر سرمایه‌گذاری وجود دارد، خواه ناخواه وارد صحنه نمی‌شود. از سوی دیگر ما در استراتژی ملی خود، راجع به تکنولوژی صنعتی تصمیمی نگرفته‌ایم؛ یعنی در تکنولوژی داخلی نیز حتی پیوندی میان واحدهای دانشگاهی و صنعتی کشور وجود ندارد. (دانشگاهی، مدیر کارخانه را قبول ندارد و می‌گوید او دانش ندارد! مدیر کارخانه هم می‌گوید که دانشگاهی متوجه نیازهای کشور نیست) و این خلاء هنوز پرنشده است. امروز واحدهای تولیدی

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای عمید زنجانی، عضو کمیسیون قضایی و حقوقی:

عدم موفقیت بازار سهام و بورس در شرایط فعلی معلول عدم ثبات اقتصادی و ناشی از نوسانهای غیرقابل کنترل و شناور بودن همه شاخصهای اقتصادی است و هرگز نمی‌توان آن را مطلق تلقی کرد.

آقای دکتر کامران، عضو کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی:

علت این امر که بازار نتوانسته منابع را در سرمایه‌گذاری تولیدی و اقتصادی بسیج کند، واضح است. بدین معنی که گاهی یک واحد تولیدی با بانک مشکل دارد و گاهی این واحد تولیدی به سبب فرسودگی و به این خاطر که تکنولوژی مدرن را جایگزین تکنولوژی قدیمی نکرده، نمی‌تواند بازدهی مطلوب داشته باشد. چنین واحدهایی وقتی با یک ساختار درون سازمانی و یک ساختار برون سازمانی که باید دیگران مشکلاتش را رفع بکنند مواجه می‌شوند، با مشکلات اقتصادی روبرو می‌گردند! کما اینکه امروزه، اغلب کارخانه‌های صنایع نساجی ما به وضع نامطلوبی گرفتار شده و رو به تعطیلی‌اند!

خوب وقتی که یک واحد تولیدی چنین وضعی داشته باشد کسی روی این گونه مسائل سرمایه‌گذاری نمی‌کند. چنین واحدی نه تنها قادر نیست مشکل اقتصادی

بودن نرخ ارز در برنامه اول، سرمایه‌ها را به سوی فعالیتهای بانکی سودآور و مطمئن و در دیگر بخشهای اقتصادی سوق داده است.
ب - عدم شناخت مردم از مکانیزم بازار بورس

ج - عدم تأمین پشتوانه‌های روانی و پائین بودن ضریب اطمینان آنان از فعالیتهای بورس و بازار سهام.
آقای مهندس فروزش، وزیر جهاد سازندگی:

بازار بورس تحت سلطه شدید سیستم بانکی کشور است (بانک مرکزی) و اعضای هیأت مدیره بورس اکثراً مدیرعامل بانکها هستند. در صورتی که بورس، رقیب بانکهاست و هر دو، وظیفه جذب و هدایت سرمایه را بعهده دارند و این طبیعی است که بانکها به بورس اجازه رشد ندهند به طوری که اکنون نیز نمی‌دهند.

بورس باید مستقل باشد و از زیر یوغ بانکها خارج شود و مستقلاً زیر نظر وزارت دارایی اداره شود. وزارت دارایی باید در سطح کلان بر آن نظارت کند. در هر شرایطی بورس نباید تحت نظر دستورات نظام خشک اداری باشد، بلکه باید همه هم و غم بورس این باشد که موانع موجود بر سر راه تعیین قیمتها را برطرف نموده و مانع از این شود که قیمتها به وسیله بخشنامه یا دستورالعمل تعیین گردند.

آقای دکتر نژادحسینیان وزیر صنایع سنگین:
بازار سهام و بورس و حجم معاملات آن در هر کشور معمولاً مانند آینه،

سیری در آرا

کشور بیشتر وضعیت مونتاز دارند. ما حتی کپی هم نکرده‌ایم که بعد به تحقیق و تولید برسیم. ما در زمان جنگ، احساس نیاز کردیم، کپی کردیم و بعد هم آنها را رها ساختیم. بعضی از موافقت‌های اصولی ما، حتی نیاز داخلی را برآورده نمی‌کند، چه رسد به اینکه جنبه صادرات هم داشته باشد. اگر فردی بخواهد در این واحدهای تولیدی یا روی این مسائل اقتصادی که نوعی واگرایی نسبت به هم دارند، سرمایه‌گذاری کند، معلوم است خواه ناخواه نتیجه مطلوبی به همراه نخواهد داشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی اجاق، عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی:
مهمترین مسأله عدم آشنایی مردم با مکانیزم بازار سهام است. مردم در امر واگذاری، و فروش سهام باید اولویت داشته باشند، برای کارگران و کارکنان هر کارخانه این امر موجب ترویج فرهنگ مشارکت مردم در امر واگذاری خواهد شد.

آقای مهندس غرضی، وزیر پست و تلگراف و تلفن:
الف - سود بانکی بالا (حدود ۱۵٪) و روند صعودی قیمت ارز، همچنین شناور

گزارش ویژه

جلب کنند و بطور خلاصه باید مدافع حقوق سهامداران باشد.

آقای مهندس نعمت‌زاده، وزیر صنایع:

بورس اوراق بهادار هنوز در ایران جایگاه مناسب خود را نیافته است. فراموش نکنیم که بعد از انقلاب چندین سال بورس اوراق بهادار - که فقط در تهران مستقر است - به حالت رکود درآمد و به دنبال آغاز فرایند خصوصی‌سازی مجدداً فعال شد. فرهنگ خرید سهام و اوراق بهادار هنوز در میان مردم رواج ندارد. سیستم‌های اطلاع‌رسانی نیز در این مورد ضعیف است. تغییرات گسترده در شاخص‌های اقتصادی موجب می‌گردد که مردم ترجیح دهند به جای خرید سهام، منابع خود را با سود تضمین شده در بانکها قرار دهند. در هر حال، تحول در این زمینه نیاز به کار گسترده و تدریجی دارد و از یک سو برنامه‌ای فرهنگی لازم است و از سوی دیگر برنامه‌ای در جهت تقویت سازمان بورس، مکانیزه کردن آن، تأسیس شعب در شهرستانها، گسترش سیستم اطلاع‌رسانی و انجام اصلاحات لازم در سیستم کارگزاران بورس.

□□□

منعکس‌کننده وضع اقتصادی آن کشور است. در واقع میزان درجه فعالیت هر جامعه در روند و سلامت اقتصاد آن کشور مؤثر می‌باشد. البته بازار هنگامی فعال و پویا است که مکانیزم‌های اقتصادی بدون برخورد به مانعی به کار خود ادامه دهند و سیاست‌گذاریه‌های صحیح و با ثبات اقتصادی نیز، کار این مکانیزم را تسهیل نمایند. برای مثال در حالی که از سرمایه‌گذاریه‌های تولیدی حمایت‌های لازم به عمل نمی‌آید و حتی برخی از مقررات نیز تضعیف‌کننده آنست، چگونه می‌توان انتظار داشت که سرمایه‌گذاری برای خرید سهام این شرکتها انجام گردد. بدیهی است که یک سرمایه‌گذار وقتی مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌کند که شرایطی از نظر تأمین خواسته‌های او مهیا باشد و حداقل سود مورد انتظار را تأمین کند و در صورت لزوم تبدیل سهام به پول نقد بسهولت انجام پذیرد.

موارد فوق در مورد نقش بورس از جنبه‌های کلان آنست. حال اگر موضوع را از نظر خرید مورد بررسی قرار دهیم، باید به مشکلات سازمان بورس و مکانیزم‌های آن و عدم توانایی‌های آن پردازیم. یک بورس قدرتمند باید بتواند اهرم‌های کنترل بر امور شرکت‌های پذیرفته شده در بورس را در اختیار داشته و اعمال نماید؛ انجام معاملات، نقل و انتقال سهام، پرداخت سود سهام و غیره با آسانی انجام پذیرد؛ فراگیر و قابل قبول سرمایه‌گذاران باشد و اعتماد مردم را به خود